استر

شش درس مصور از کتاب استر



Esther

استر

شش درس مصور از کتاب استر
این درس ها به بچه ها کمک می کند
تا در هر زمینه از زندگی شان مراقبت آینده نگرانه
خدا را تشخیص دهند و از آن قدردانی کنند.

CEF Middle East Ltd.
P.O. Box 51923
3509 Limassol, Cyprus

استر

شش درس مصور از کتاب استر
این درس ها به بچه ها کمک می کند تا در هر زمینه از زندگی شان مراقبت آینده نگرانه خدا را تشخیص دهند و از آن قدردانی کنند.

محتوا

درس ۱

استر ملکه می شود

متن کتاب مقدس	استر ۱: ۱ - ۲: ۲۰
آیه حفظی	ارمیا ۷: ۲۳ "... قول مرا شنوید و من خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود و به هر طریقی که به شما حکم نمایم سلوک نمایید تا برای شما نیکو باشد."
هدف تعلیم	بچه نجات یافته انتخاب خواهد کرد که از خدا اطاعت کند و اعتماد داشته باشد که خدا می داند چه چیزی بهترین است.
تعلیم اصلی	خدا می خواهد که شما از او اطاعت کنید، زیرا نقشه هایش بهترین است.
تاکید برای نجات نیافتگان	مسیح را قبول کنید و فرزند او شوید.
کمک های تصویری	تصاویر **1-1 – 1-7**

خطوط اصلی درس

۱. **مقدمه**

آیا تا به حال شنیده اید که کسی بگوید: "پسر، یقیناً او خوش شانس بود!" یا "چه حسن تصادفی!"؟ هیچ چیزی شانسی برای ما اتفاق نمی افتد! درحالیکه ما از خدا اطاعت می کنیم، خدا مشغول پیش بردن نقشه هایش در زندگی ما است.

۲. **پیشرفت وقایع**

الف. خشایارشاه، کسی که بر امپراطوری وسیعی سلطنت می کرد، قدرت و ثروتش را در یک جشن شش ماهه برای بزرگان حکومتی به نمایش گذاشت. (۱: ۱- ٤)

ب. پادشاه یک مهمانی یک هفته ای با غذا و نوشیدنی فراوان برای مردانی که در شوشان حاضر بودند، ترتیب داد. این مهمانی در قصری که پادشاه با دست و دلبازی آن را تزئین کرده بود، ترتیب داده شده بود. در همین زمان ملکه وشتی جداگانه از زنان پذیرایی می کرد. (۱: ۵- ۹)

پ. در روز هفتم جشن، پادشاه ملکه وشتی را خواند تا در مقابل مهمانان او ظاهر شود، اما ملکه نپذیرفت که به حضور پادشاه برود و با این کار از پادشاه سرپیچی کرد و او را عصبانی نمود. (۱: ۱۰-۱۲)

ت. بعد از اینکه پادشاه تقاضای مشاوره نمود، او قانونی

صادر نمود بدین مضمون که برای همیشه ملکه وشتی را از ظاهر شدن در حضورش منع می کرد و تاکید می کرد که هر مرد باید در خانه خودش حکمرانی کند. (۱: ۱۳- ۲۲)

ث. مشاوران پادشاه پیشنهاد کردند که برای یافتن ملکه ای جدید دست بکار شوند. (۲: ۱- ٤)

ج. یک یهودی به نام مردخای با دختر عمویش، هدسه (استر) در شوشان زندگی می کرد. او هدسه را مثل دختر خودش بزرگ کرده بود. (۲: ۵- ۷)

چ. استر با دیگر زنان جوان و زیبا به قصر برده شد. در آنجا هیجای، خدمتکار پادشاه به استر التفات کرد و بهترین خانه و تزیینات و وسایل آرایشی را به او داد. (۲: ۸- ۹)

ح. همانطور که مردخای به استر آموزش داده بود، او راز یهودی بودن خود را مخفی نگه داشت. (۲: ۱۰ – ۱۱)

خ. بعد از آماده سازی طولانی، تک تک دخترها به نزد پادشاه رفتند. (۲: ۱۲- ١٤)

د. وقتی که نوبت استر شد، او از نصیحت خدمتکار پادشاه اطاعت کرد و تنها آنچه را که خدمتکار پادشاه به او آموزش داد پوشید و بدین ترتیب او مورد پسند پادشاه واقع شد. (۲: ۱۵- ۱۶)

۳. **نقطه اوج داستان**

پادشاه دستش را دراز کرد و تاج درخشان را بر سر استر نهاد- استر ملکه جدید بود**!** (۲: ۱۷)

٤. **نتیجه**

الف. پادشاه به افتخار استر مهمانی داد. (۲: ۱۸)

ب. استر از مردخای اطاعت کرد و فاش ننمود که یهودی است. (۲: ۱۹- ۲۰)

تلاش (بچه نجات یافته): خدا می خواهد که از او اطاعت کنید، زیرا نقشه های او برای شما بهترین است. (ارمیا۷: ۲۳)

دعوت (بچه نجات نیافته): مسیح را قبول کن و فرزند او شو. (یوحنا۱: ۱۲)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: ارمیا ۷: ۲۳

"بلکه ایشان را به این چیز امر فرموده، گفتم که قول مرا بشنوید و من خدای شما خواهم بود وشما قوم من خواهید بود و به هر طریقی که به شما حکم نمایم سلوک نمایید تا برای شما نیکو باشد."

مقدمه:
امروزه چگونه درمی یابیم که خدا از ما می خواهد چه کاری انجام دهیم؟ (اجازه دهید پاسخ داده شود.) بله، خدا به انسانها گفت که چه چیزی را برای ما بنویسند. ما این کلمات را، کلام خدا یا کتاب مقدس می نامیم. خدا از ما می خواهد که درباره آن چیزی که او نوشته است، چه کاری انجام دهیم؟ آیه امروز، پاسخ این سوال را در بر دارد.

معرفی:
(توضیح دهید که آیه، کاملا درست است، چون از کلام خدا است. به بچه ها نشان دهید که چطور آیه را پیدا کرده اید، سپس آنرا از کتاب مقدس تان بخوانید. اجازه دهید که بچه ها آیه را همراه شما از روی آیه نمایشی بخوانند.)

توضیح:
قول مرا بشنوید – می توانیم با خواندن آنچه که در کتاب مقدس نوشته شده است، صدای خدا را بشنویم. بایستی آنچه را که خدا می گوید، انجام دهیم.
و به هرطریقی که به شما حکم نمایم سلوک نمایید – هر آنچه را که خدا در کتاب مقدس گفته است، انجام دهید.
تا برای شما نیکو باشد – خدا می داند چه چیزی برای شما بهترین است و حتی اگر نفهمید که چه اتفاقی در حال وقوع است، می توانید مطمئن باشید که او همه چیز را برای خیریت شما به پیش می برد.

کاربرد:
نجات یافتگان: اگر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفته اید، از آنچه که در کلامش یعنی کتاب مقدس به شما می گوید، اطاعت کنید. او می داند که چه چیزی برای شما بهترین است وهمه چیز را برای خیریت شما به پیش می برد.
نجات نیافتگان: اگر تا به حال عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان از گناه نپذیرفته اید؛ پذیرش او، اولین قدم برای اطاعت از خدا است. می توانید این قدم اول را امروز بردارید.

تکرار: آن را به یکدیگر رد کنید.
(بچه ها را به شکل دایره کنار یکدیگر قرار دهید و دو تا دو تا بشمارید. در حالیکه جسم نرمی، مثل یک توپ را دست به دست رد می کنند،هر کسی آیه را با صدای بلند
بخواند. در پایان آیه اگر توپ دست فرد شماره یک از هر گروه دو نفره است، تمام افراد شماره یک با یکدیگر آیه را می خوانند. اگر توپ در دست فرد شماره دو متوقف شود، تمام کسانی که شماره دو هستند، آیه را بلند می خوانند. بعد از اینکه چند بار بازی کردید، آیه نمایشی را از بچه ها بگیرید تا آنرا از حفظ بگویند.
تنوع: یک جعبه آب نبات را دست به دست رد کنید. اگر بچه ای که در پایان آیه جعبه را در دست دارد بتواند آیه را از حفظ بگوید، می تواند یک آب نبات بردارد.)

درس
مقدمه

آیا تا به حال شنیده اید که کسی بگوید: پسر، فلانی حتماً خوش شانس بوده! یا چه حُسن تصادفی؟! بسیاری از مردم فکر می کنند که وقایع مختلف، شانسی اتفاق می افتند. اگر چیزهای خوب اتفاق می افتد، فقط خوش شانسی است، یا اگر چیزهای بد اتفاق بیفتد، بد شانسی است. ولی ما که عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده مان می شناسیم،
می دانیم که هیچ چیز بدون دلیل اتفاق نمی افتد.
خدا به طور پنهانی (غیر قابل دیدن) مشغول مواظبت از ما و کنترل وقایعی که در زندگی ما اتفاق می افتد، می باشد.
در هفته های آینده، داستانهای هیجان انگیزی از کتاب کوچکی به نام استر در کتاب مقدس را خواهیم شنید. وقتیکه داستان اعجاب انگیز استر شروع می شود، می بینید که راههای غیر قابل باور خدا، چگونه در زندگی کسانی که از او پیروی می کنند، برای خیر و خوبی آنها پیش می رود. داستان هیجان انگیز استر با یک مهمانی بزرگ شروع می شود.

روند ماجراها

خشایار شاه، شاهنشاه امپراطوری عظیم پارس بود – که شامل ۱۲۷ ایالت، از هند تا اتیوپی می بود. در طول زمستان، پادشاه و ملکه زیبایش، وشتی در قصر بزرگی که رو به پایتخت یعنی شهر شوشن بود، زندگی می کردند. درسال سوم سلطنت، خشایار شاه تصمیم گرفت تا برای بزرگان مملکتی جشنی برپا کند. در طی این جشن که شش ماه به طول انجامید، خشایار شاه تمام ثروت، شکوه و عظمت سلطنت خود را اعم از طلا، نقره، جواهرات با ارزش و چیزهای گرانقیمت را برای تحت تاثیر قرار دادن میهمانانش به نمایش گذاشت.

(تصویر 1 - 1 از کتاب تصاویر)

سپس پادشاه، تمام مردم شوشن از فقیر تا غنی را به یک مهمانی دعوت کرد. باغ قصر او با پرده هایی از کتان سفید و آبی تزئین شده بود.
این پرده ها با ریسمانهای سفید و ارغوانی که داخل حلقه های نقره ای قرار داشتند، از ستونهای مرمر آویزان بود. تختهای طلا و نقره روی سنگفرش هایی از سنگ سماک، مرمر، صدف مروارید و فیروزه قرار داشت. و در آنجا مقدار زیادی غذا و نوشیدنی بود. احتمالاً مهمان های پادشاه برای هفت روز با گوشتهای نرم بریان شده، سبزیجات تازه، میوه های رسیده و کیک های عسلی شیرین جشن گرفتند.
همچنین هر چقدر که می خواستند از جامهای طلای مملو از شرابی که با یکدیگر متفاوت بودند، می نوشیدند. جادوگران سلطنتی و رقاصان هم احتمالاً آنها را در حین خوردن و نوشیدن، سرگرم می کردند.
وقتی که مردها سرگرم لذت بردن از جشن بودند، ملکه وشتی، زن ها را در قسمت دیگر قصر برای مهمانی خودشان جمع کرد. پادشاه و چند تن از مهمانانش احتمالاً تا روز هفتم کاملاً مست بودند. پادشاه از خود پرسید که چه چیز دیگری می توانست نمایش دهد تا مهمان ها را بیشتر با ثروت و قدرت خود تحت تاثیر قرار دهد.

شما لازم خواهید دانست که موضوع این دوره از دروس (آینده نگری و فراهم سازی خدا) را در ابتدای این دروس پایه ریزی کنید.

خشایارشاه (اخشورش) به معنای "مرد مقتدر" می باشد. او احتمالا همان زرکسس اول بود که از سال ۵۶۴- ۶۸۴ پیش از میلاد سلطنت می کرد. در صورت امکان نقشه امپراطوری پارس را نشان دهید و اجازه دهید بچه ها شهر شوشان در ایلام (ایران امروزی) را بر روی نقشه مشخص کنند. بچه ها از نگاه کردن به نقشه لذت می برند.

وشتی به معنای "مورد نظر و مطلوب" می باشد. هر چند که اسم او در گزارشات تاریخی امپراطوری پارس یافت نمی شود، اما گفته می شود که وشتی همان امستریس، ملکه ی کورش بود.

به بچه ها اجازه دهید تا به آرامی تا شش بشمارند و بدین ترتیب به آنها کمک کنید تا معنی جشن طولانی را بهتر درک کنند.

غذا هویج، میوه و کیک را در میان بچه ها دست به دست کنید . این کمک می کند که بچه ها در س را بهتر یاد بگیرند.

تا هفت بشمارید. بچه ها ی پیش دبستانی از مشارکت گفتاری در درس لذت می برند.

آنگاه فکری به ذهنش آمد — او می توانست ملکه زیبایش را به نمایش بگذارد! خشایار شاه، خدمتکارانش را فرا خواند و به آنها دستور داد تا بروند و ملکه وشتی را به حضور او بیاورند. او دستور داد: به او بگویید که تاج سلطنتی را بر سر بگذارد!

(تصویر 2 - 1 از کتاب تصاویر)

وقتی خدمتکاران پادشاه رسیدند، ملکه می بایست متعجب شده باشد. آنها مقابل او تعظیم کردند و گفتند: پادشاه دستور داده در حالی که تاج تان را بر سر دارید به جشن بیایید. اما ملکه وشتی دستور پادشاه را رد کرد (کتاب مقدس نمی گوید چرا). شاید او اطمینان نداشت که پادشاه با فراخوانی او در مقابل میهمانان، دست به کار درستی می زند. خدمتکاران پادشاه برگشتند و به خشایار شاه گفتند که ملکه وشتی از آمدن امتناع می کند. پادشاه بسیار خشمگین شد و میهمانان می بایست در سکوت، قصر را ترک کرده باشند. جشن یقیناً پایان یافته بود!

(تصویر 3 - 1 از کتاب تصاویر)

درحالی که پادشاه در آتش خشم خود می سوخت، هفت نفر از بهترین و مورد اطمینان ترین مشاوران خود را جمع کرد و از آنها سوال کرد: "قانون می گوید که با ملکه چه کار کنیم، زیرا نافرمانی کرده است؟" یکی از مشاوران او بنام مموکان گفت: "وشتی ملکه فقط نسبت به شما اشتباه نکرده است، بلکه نسبت به تمام شاهزادگان و مردان سلطنتی مرتکب خطا شده است. وقتیکه زنان دیگر از رفتار ملکه مطلع شوند، آنها نیز با همسران شان همین روش را در پی خواهند گرفت. شما باید قانونی وضع کنید مبنی بر اینکه وشتی، دیگر ملکه نیست و آن را در سراسر امپراطوری اعلام کنید. او نباید دوباره نزد شما بیاید. شما باید یک نفر بهتر از او را برای ملکه بودن انتخاب کنید. وقتی مردم این قانون را بشنوند، تمام زنان به شوهران شان احترام خواهند گذاشت." در مملکت پارس، یک قانون نمی توانست حتی توسط پادشاه تغییر یابد. پادشاه همانطوری که مموکان توصیه کرد، عمل کرد. او دستور داد که قانونی به این مضمون که وشتی بخاطر نافرمانی اش، دیگر ملکه نیست، به زبان های مختلف در سرتاسر همه ایالتها پخش شود. نه پادشاه و نه مشاورانش درک می کردند که آنچیزی که در حال اتفاق افتادن بود، قسمتی از نقشه بسیار مخصوص خدا برای قومش یعنی یهودیان بود.

خدا همچنین یک نقشه بسیار مخصوص برای شما دارد. اگر شما عیسی را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، خدا می خواهد که از او اطاعت کنید، زیرا نقشه او بهترین است. ممکن است همیشه نفهمید که چرا خدا، یک حکم یا قانون مشخص را اعلام میکند تا از آن اطاعت کنید. برای مثال چرا خدا در کتاب مقدس می گوید که شما باید دشمن تان را دوست داشته باشید؟ چطور او از شما انتظار دارد که دیگران را دوست داشته باشید، همانطور که خودتان را دوست دارید، یا به آنهایی که به شما آزار می رسانند، مهربانی کنید؟ ممکن است حکم خدا همیشه برای شما قابل فهم نباشد، زیرا شما فقط یک قسمت کوچک از موقعیت

مفسران در مورد دلیل سرپیچی وشتی اختلاف نظر دارند. بعضی از ایشان می گویند که این کار وشتی یک " بازی قدرت" برای توهین کردن به پادشاه بود. دیگران فکر می کنند که دستور پادشاه مبنی بر ظاهر شدن وشتی در برابر مهمانان درخواستی غیر اخلاقی بود.

بچه ها از اجرای نمایشی این سوال لذت خواهند برد.

مموکان- هفت مشاور پادشاه، یک گروه از نخبگان بودند که دسترسی ایشان به پادشاه انحصاری بود. پادشاه در تمامی تصمیمات بزرگ با ایشان مشورت می کرد.

قوانین به وسیله روش " باز پخش" که شباهت زیادی به چاپار داشت انتقال می یافت. این روش مطمئنی بود که توسط آن تمامی نقاط امپراطوری عظیم پارس به نحو موثری از قوانین مطلع می شدند. بچه ها از اجرای نمایشی تحویل و دریافت قانون پادشاه لذت خواهند برد.

کارت تعلیمی

کارت تعلیمی با تاکید برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید: خدا می خواهد که شما از او اطاعت کنید، زیرا نقشه های او برای شما بهترین است.

را درک می کنید. خدا همه چیز را می داند. او می داند که در نتیجه حرفها واعمال شما چه اتفاقی رخ خواهد داد. همچنین خدا تمام چیزهایی را که برای شما اتفاق می افتد، تحت کنترل خود دارد. او تمام اتفاقات زندگی شما را کنترل می کند و همه چیز را به نفع شما بر طبق نقشه اش به پیش می برد. هیچ چیزی به شکل تصادفی در زندگی شما اتفاق نمی افتد. این چیزی است که خدا در آیه حفظی ما وعده می دهد (ارمیا ٧: ٢٣ را تکرار کنید). وقتیکه شما از خدا اطاعت می کنید، او وقایع را به نفع شما به پیش می برد، زیرا یک نقشه بسیار مخصوص برای شما دارد.

خدا همچنین یک نقشه بسیار مخصوص برای قوم خود یعنی یهودیان داشت. نه پادشاه و نه مشاورانش درک کردند آنچه که در حال اتفاق افتادن بود، قسمتی از آن نقشه بود.
بعداز چند سال، عصبانیت پادشاه نسبت به وشتی کمرنگ شد. پادشاه به او فکر کرد و احتمالاً دلش برای او تنگ شد. مشاوران پادشاه می دانستند که وقت آن رسیده که یک ملکه جدید پیدا کنند. آنها گفتند:" اجازه دهید که زیباترین دوشیزگان از سرتاسر پادشاهی به قصر آورده شوند و بگذارید پادشاه، یکی از آنها که موجب رضایتش می شود را انتخاب کند. او بجای وشتی ملکه خواهد شد." پادشاه از این فکر خوشش آمد! او به بزرگان دربار گفت که زیباترین زنان را پیدا کرده، به قصر بیاورند.

(تصویر 4 - 1 از کتاب تصاویر)

در میان کسانی که در شوشن از جستجوی پادشاه برای ملکه جدید مطلع شدند، یک مرد یهودی نیز بنام مردخای وجود داشت. او با دختر عموی زیبای خود، هدسه زندگی می کرد.
والدین دختر زمانی که او خیلی جوان بود، مرده بودند و مردخای برای او مثل یک پدر بود. هدسه یک زن جوان بسیار زیبا بود که هنوز ازدواج نکرده بود. سالها پیش از آن که هدسه و مردخای بدنیا بیایند، قوم خدا یعنی اسرائیل از خدا روی برگردانده و به پرستش بتها پرداختند. خدا به دشمنان اسرائیل اجازه داد تا سرزمین شان را اشغال کرده و آنها را به سرزمین های بیگانه به اسیری ببرند. از آن زمان خانواده مردخای دور از وطن زندگی می کردند. اسرائیل نسبت به خدا مرتکب گناه شد و خدا باید آنها را مجازات می کرد.

هدسه اسم عبرانی استر به معنای "گل تلفونی" است.

خانواده مردخای از قبیله بنیامین بود. نیاکان (پدران) او جزو اسرای اسرائیلی در بابل بودند.

شما و من نیز برعلیه خدا گناه کرده ایم و مستحق مجازات هستیم. شما با یک قلب گناه آلود بدنیا آمده اید که باعث می شود گناه بکنید. مثلاً وقتی که نمی توانید کاری که دوست دارید را انجام بدهید، عصبانی می شوید و دندان های تان را بر روی هم فشار می دهید، یا از والدین یا معلم تان سرپیچی می کنید.
خدا می گوید که بخاطر گناهان تان، مستحق هستید که برای همیشه در یک مکان مجازات بسیار بد بنام جهنم، از او جدا شوید(رومیان ٦: ٢٣) . اما خدا، همان کسی که شما را آفریده، شما را دوست دارد! او تنها پسرش، عیسی خداوند را فرستاد تا مجازات گناه من و شما را بردارد.

از آنجا که هدف این دروس بر رشد مسیحی متمرکز است، پیام نجات در آن خلاصه شده است . شما می توانید معرفی انجیل را در ساعت دیگری از کلاس تاکید کنید.

خدا نقشه کشید، تا عیسی ، کسیکه هرگز گناه نکرده بود، مضروب شده و به صلیب کشیده شود، جایی که خونش ریخت و برای شما مرد. کتاب مقدس می گوید: "خون عیسی پسر خدا، ما را از هر گناه پاک می سازد." (اول یوحنا ۱: ۷). او دفن شد و سه روز بعد از مردگان برخاست. وقتی که به عیسی خداوند ایمان بیاورید و از او خواهش کنید که گناه شما را ببخشد، او شما را از مجازات گناهان تان نجات خواهد داد.

قوم اسرائیل نسبت به خدا مرتکب گناه شدند و خدا باید آنها را مجازات می کرد. آنها به جای پرستش خدا، به پرستش بتها پرداختند. برای همین بود که مردخای و دختر عموی او هدسه آمدند تا در شوش زندگی کنند، یعنی جایی که مردخای از جستجوی پادشاه برای یک ملکه جدید، آگاه شد. بزرگان پادشاه، تمام زنان زیبا و ازدواج نکرده مملکت را جمع کرده، به قصر بردند. هدسه نیز در میان آنها بود. در قصر، دختر عموی مردخای با نام پارسی خود یعنی استر شناخته شده بود که به معنی ستاره است.

(تصویر 5 - 1 از کتاب تصاویر)

این یک زمان بحرانی برای استر بود. او بعد از ماهها آماده سازی، پادشاه را ملاقات می کرد و اگر انتخاب می شد، در قصر این امپراطوری بیگانه به عنوان ملکه باقی می ماند. اگر پادشاه او را انتخاب نمی کرد، می بایست با بقیه زنهایی که پادشاه رد کرده بود، در یک خانه مخصوص زندگی کند. او می بایست بقیه عمر خود را در آنجا سر کند و هرگز نمی توانست به خانه اش بازگردد یا ازدواج کرده و خانواده ای تشکیل دهد. استر مطلوب و مورد نظر خواجه پادشاه یعنی هیجای شد. هیجای کسی بود که مسئول زنان جوان بود. او هدسه را در بهترین اطاق قرار داد و برای او هفت ندیمه اختصاص داد و لوازم آرایشی بیشتر از مقدار لازمی که به زنان جوان داده بود به هدسه داد. ندیمه ها، استر را توسط حمام روغن مرغوب، نرم کردن پوست با تقویت کننده های خوش بو، معطرکردن موها، جامه های ظریف و زینت با جواهرات درخشنده، برای سال بعد آماده کردند.

تعدادی عطر و محلول های طبی برای شستشو و ضد عفونی کردن بدن را بیاورید تا بچه ها آنها را بو کنند. بچه ها از انجام چنین فعالیت هایی لذت می برند.

شاید استر هرگز این همه از چیزهای گرانبهای اطرافش لذت نبرده بود! اما می بایست دلش عمیقاً برای پسر عمویش تنگ شده باشد. مردخای نیز برای استر نگران بود. هر روز به اطراف محوطه خانه زنان می آمد و با این امید که شاید برای یک لحظه استر را ببیند، در آنجا قدم می زد. او احتمالاً با خواجه های قصر صحبت کرده بود تا در مورد استر مطلع شود و اینکه آیا نوبت استر برای رفتن به نزد پادشاه شده بود یا نه. بیش از هر چیزی مردخای از خود می پرسید که آیا استر، رازی را که از او شنیده بود، نگه داشته است یا نه. مردخای با دقت به دختر عموی جوانش آموزش داده بود تا به کسی نگوید که یک یهودی است. او می دانست که مردم پارس، یک ملکه از میان اسرای یهودی نمی خواستند، یا ممکنه فکر کرده بود که اگر کسی این موضوع را بداند، جان استر در خطر می افتد. هرچند شاید استر نفهمیده بود که چرا نگه داشتن این راز مهم است،

به آرامی صحبت کنید، مثل اینکه در حال گفتن رازی هستید.

اما از مردخای اطاعت کرد. ممکنه استر درک نکرده بود، اما با اطاعت از مردخای، کسیکه برای او مثل والدینش بود، از خدا اطاعت می کرد، خدایی که نقشه هایش برای استر، بهترین نقشه ها بود.

اگر شما عیسی را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، خدا می خواهد که از او اطاعت کنید، چون که نقشه های او بهترین نقشه ها هستند. هرچند ممکن است احکام خدا همیشه قابل درک نباشد، اما می توانید اطمینان داشته باشید که او می داند چه کاری انجام می دهد. خداوند از راه های غیرقابل دیدن عمل می کند تا از شما مواظبت کند و وقایعی را که برای شما اتفاق می افتد، کنترل نماید. این مساله، آینده نگری خدا نامیده می شود.
شاید وقتی شما محبت خدا را به کسی نشان می دهید که نسبت به شما نامهربان بوده، خدا از شما استفاده کند تا آن شخص با کمک شما، عیسی را به عنوان نجات دهنده اش بشناسد. شاید خدا اجازه داده، یک موقعیت سخت در زندگی تان باشد تا به شما چیزی یاد بدهد، یا از طریقی که او می خواهد بیشتر شبیه او شوید. بجای اینکه سعی کنید بفهمید چرا خدا از یک طریق مشخص عمل می کند، او می خواهد که شما به او اعتماد کنید و از او اطاعت کنید. برای اینکه از خدا اطاعت کنید، لازم است احکام او را بدانید. هرروزه زمانی را برای خواندن کلام خدا صرف کنید و بدنبال چیزهایی باشید که خدا می خواهد انجام دهید.
اگر چه نمی فهمید که چرا خدا می خواهد از احکام خاصی اطاعت کنید، از او تشکر کنید که نقشه اش بهترین است و از او خواهش کنید تا به شما کمک کند. در آیه حفظی ما خدا می گوید: (ارمیا ۷: ۲۳ را با هم تکرار کنید). ممکن است زمانی فرا رسد که درک کنید، خدا چگونه در زندگی شما کار می کرده است. اما اکنون از خدا اطاعت کنید، زیرا نقشه هایش برای شما، بهترین است.

استر با اطاعت کردن از مردخای، از خدا اطاعت می کرد، خدایی که نقشه اش برای او بهترین بود. در ضمنی که استر برای ملاقات پادشاه خود را آماده می کرد، همچنان راز یهودی بودنش را نگه داشت. یک یک زنان در حالی که برای جلب رضایت و خوشنودی پادشاه، چیزهایی خیال انگیزی (فانتزی) را انتخاب کرده و پوشیده بودند، مقابل خشایار شاه حاضر شدند. اما او هیچ کدام از آنها را به عنوان ملکه انتخاب نکرد. در پایان نوبت به استر رسید. هیجای به استر گفته بود که چگونه لباس بپوشد، و استر با اعتماد به قضاوت هیجای، از او اطاعت کرد.

(تصویر 6 - 1 از کتاب تصاویر)
وقتی استر مقابل تخت سلطنتی قرار گرفت، قلبش به شدت می تپید. پادشاه با دقت به او نگاه کرد و کتاب مقدس می گوید که او استر را بیشتر از همه دوست داشت. استر موفق شد مورد پسند پادشاه قرار گیرد.

نقطه اوج داستان

پادشاه دستش را دراز کرد و تاج درخشان را بر سر استر قرار داد. استر، ملکه جدید بود!



به بچه ها ی نجات یافته آموزش دهید که آینده نگری و فراهم سازی خدا موضوعی است که به ما اعتماد و اطمینان می بخشد تا به او توکل کرده و از او اطاعت نماییم.

برای اینکه بچه ها مفهوم آینده نگری و فراهم سازی خدا را بفهمند، کارتی با توضیحات ذیل را آماده کنید. آینده نگری و فراهم سازی یعنی مراقبت خدا از شما و کنترل آنچه که اتفاق می افتد. از این کارت در طول دروس این دوره در مواقعی که به آنها در پاورقی اشاره شده، استفاده کنید.

کارت تعلیمی
کارت تعلیمی تاکید برای بچه ی نجات نیافته را نشان دهید.

ردایی بیاورید تا بچه ها آن را بپوشند و وانمود کنند که مانند استر به نزد پادشاه می روند.

در صورت امکان تاجی را نشان دهید.

نتیجه

خشایار شاه به افتخار استر، بزرگان، افسران و خواجه های دربارش را به یک جشن دعوت کرد. او برای جشن گرفتن، تعطیلات عمومی اعلام کرد و به مردم هدیه داد. استر به نگه داشتن رازش ادامه داد.
تنها او و مردخای می دانستند که ملکه جدید یک یهودی بود.خدا در آینده نگری اش نقشه کشیده بود تا استر ملکه شود و همچنین نقشه های دیگری برای استر داشت. خدا به پیش بردن حوادث به جهت خیریت استر و مردمش ادامه می داد. بزودی استر با بزرگترین آزمایش اطاعت خود مواجه می شد! آیا استر با علم به اینکه نقشه های خدا برای او بهترین است، به اطاعتش ادامه می داد؟

کارت با توضیح مراقبت و فراهم سازی خدا را نشان دهید.
کارت تعلیمی

تلاش

اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خودتان می شناسید، خدا می خواهد از او اطاعت کنید، زیرا نقشه هایش بهترین است. آیه حفظی ما می گوید: (ارمیا ۷: ۲۳ را با همدیگر تکرار کنید.) هر روزه کلام خدا را بخوانید تا از احکام خدا آگاه شوید. وقتی حکمی از احکام خدا را می خوانید، گر چه نفهمید چرا، اما لازم است که از آن اطاعت کنید. خدا را شکر کنید که نقشه اش بهترین است و از او بخواهید که به شما کمک کند تا بتوانید اطاعت کنید. بیاد داشته باشید که درباره آینده نگری خدا چه چیزی یاد گرفته اید، یعنی این که او از طرق غیرقابل دیدن برای مواظبت کردن از شما در زندگی تان و کنترل کردن چیزهایی که در زندگی شما اتفاق می افتد، در حال کار کردن می باشد. می توانید مطمئن باشید آنچه که خدا انجام خواهد داد، برای شما بهترین است. من تعدادی از احکام خدا را در لیستی برای شما تهیه کردم تا همراه خود به خانه ببرید. این هفته آیه ها را بخوانید، از خدا برای نقشه خوبش تشکر کنید و از او خواهش کنید به شما کمک کند تا بتوانید از او اطاعت کنید. وقتی خدا کمک می کند اطاعت کنید، یک علامت کنار آیه بگذارید. ببینید آیا می توانید تا هفته آینده تمام آیات را علامت بزنید.



کارت تعلیمی
تاکید برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید.

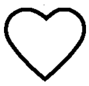
کارت با توضیح مراقبت و فراهم سازی خدا را نشان دهید.

برگه های تعلیمی تهیه کرده و به بچه ها بدهید تا به منزل ببرند. این برگه ها می باید شامل تاکید برای بچه ی نجات یافته و آیات زیر باشد.
متی: ۵: ٤٤، لاویان۱۹: ۱۸، افسسیان ٤: ۲۳، غلاطیان۶: ۱۰، یوشع۱: ۸، فیلیپیان۲: ۳- ٤، یعقوب۱: ۲۲

دعوت

(تصویر 7 - 1 از کتاب تصاویر)

اولین قدم برای اطاعت از خدا این است که با ایمان آوردن به عیسی خداوند و کاری که او بر روی صلیب برای شما انجام داد و نیز قبول کردن او بعنوان نجات دهنده تان از گناه ، فرزند او شوید. کلام خدا می گوید: " و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد."
(یوحنا ۱: ۱۲) اگر امروز او را قبول کنید، او شما را از درون تغییر می دهد و شما را فرزند خویش می سازد. بیایید همگی سرهای مان را خم کنیم و چشمان مان را ببندیم. اگر مایلید که عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان بپذیرید، آیا با نگاه کردن به من آن را نشان



با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید از بچه ها دعوت کنید تا عیسی خداوند را قبول کنند. برای آموزش های بیشتر به " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد"، مراجعه کنید.

خواهید داد؟ (مکث کنید و به جوابها توجه کنید) اگر شما به من نگاه کردید و می خواهید عیسی خداوند را بپذیرید، لطفاً مرا (در مکان و زمان مشخص) ملاقات کنید، تا بتوانم به شما کمک کنم از کلام خدا دریابید که چگونه می توانید فرزند او بشوید.

سوالات مروری

۱. چطور می توان فهمید که خشایار شاه ثروتمند بود؟ (شش ماه مهمانی، قصر بسیار زیبا، مقدار زیاد غذا)
۲. پادشاه از ملکه وشتی خواست که چه کاری انجام دهد؟ (تاج خود را بر سر نهد و در مقابل میهمانان حاضر شود.)
۳. آینده نگری خدا چیست؟ (مواظبت خدا از شما و کنترل چیزهایی که برای شما اتفاق می افتد.)
٤. چرا خشایار شاه از ملکه وشتی عصبانی بود؟ (ملکه از او اطاعت نکرد.)
٥. یکی از احکام خدا که اطاعت از آن می تواند برای شما مشکل باشد را ذکر کنید؟ (دشمنان خود را دوست داشته باش، به آنانی که به تو آزار می رسانند نیکویی کن.)
٦. وقتی از خدا اطاعت می کنید، می توانید به او اطمینان کنید که چه کاری برای شما انجام دهد؟ (چیزها را برای خوبی شما پیش ببرد.)
۷. مشاوران پادشاه به او گفتند که با ملکه وشتی چه کند؟ (بجای او ملکه دیگری انتخاب کند.)
۸. چرا خدا اجازه داد تا قوم او یعنی اسرائیل به اسارت برده شوند؟ (آنها از خدا رو برگرداندند و به پرستش بتها پرداختند.)
۹. چرا شما و من مستحق مجازات خدا هستیم؟ (زیرا نسبت به خدا مرتکب گناه شده ایم.)
۱۰. چرا استر (هدسه) به قصر برده شد؟ (تا ببینند آیا پادشاه او را به عنوان ملکه جدید انتخاب می کند.)
۱۱. اگر شما عیسی را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفته اید، چرا ممکن است خدا اجازه دهد تا مشکلی در زندگی شما اتفاق بیفتد؟ (تا به شما چیزی را یاد بدهد یا اینکه شما بتوانید به کسی کمک کنید.)
۱۲. چرا استر از مردخای اطاعت کرد و راز یهودی بودنش را نگه داشت؟ (او فکر کرد مردخای می داند چه چیزی برای او بهتر است.)

بازوی مروری
" امتیازات تاج"
ده تاج کاغذی ببرید. روی هشت تا از تاج ها امتیازاتی را بنویسید و روی دو تا از تاج ها بنویسید " خلع از سلطنت". تمامی تاج ها را درون کیسه ای قرار دهید. کلاس را به دو گروه تقسیم کرده و به نوبت از تیم ها سوال بپرسید. وقتی که بچه ای سوالی را به درستی پاسخ می دهد، می تواند تاجی را از درون کیسه بیرون بیاورد. اگر او یک تاج با امتیاز را بیرون بیاورد، می تواند امتیاز را به حساب تیمش واریز کند یا تاج دیگری را بیرون بکشد. اگر دو تاج " خلع از سلطنت" را بیرون بکشد، تمامی امتیازات آن نوبت را از دست می دهد.
تاج ها را به کیسه برگردانید و تاجایی که تمامی سوالات پرسیده شوند، بازی را ادامه دهید. تیمی که بیشترین امتیاز را کسب کند، برنده است.

درس ۲
مرد خای از خدا اطاعت می کند

متن کتاب مقدس	استر ۲: ۲۱ - ٤: ۳
آیه حفظی	امثال۲۳: ۱۷ " دل تو به جهت گناهکاران غیور نباشد، اما به جهت ترس خداوند تمامی روز غیور باش."
هدف تعلیم	وقتی که بچه نجات یافته وسوسه می شود تا با دوستانش کار اشتباهی را انجام دهند، او از خدا اطاعت خواهد کرد.
تعلیم اصلی	انتخاب کن که از خدا اطاعت کنی.
تاکید برای نجات نیافتگان	به عیسی مسیح خداوند ایمان بیاورید و نجات یابید.
کمک های تصویری	تصاویر **2-1 – 2-7**

خطوط اصلی درس

۱. **مقدمه**
یک توطئه سری استراق سمع شد!

۲. **پیشرفت وقایع**

الف. وقتی که مردخای بر دروازه پادشاه خدمت می کرد، دو افسر سلطنتی عصبانی شدند و توطئه کردند که پادشاه را بکشند. (۲: ۲۱)

ب. مرد خای از توطئه آگاه شد و به استر گفت. استر، پادشاه را هشیار کرد و افتخار کشف توطئه را به مردخای داد. (۲: ۲۲)

پ. به گزارش رسیدگی شد و دو افسر اعدام شدند. کار مردخای ثبت شد و پاداشی دریافت نکرد. (۲: ۲۳)

ت. پادشاه مقامی بالاتر از همه به هامان داد. (۳: ۱)

ث. پادشاه دستور داد که تمامی افسران و خدمتکاران در برابر هامان تعظیم کنند. (۳: ۲)

ج. مردخای از تعظیم کردن سرباز زد و وقتی که مورد سوال قرار گرفت، اصلیت یهودی خویش را فاش کرد. عدم اطاعت او به هامان گزارش داده شد. (۳: ۲- ٤)

چ. هامان عصبانی تصمیم گرفت که با کشتن تمامی یهودیان در سراسر پادشاهی به نوعی انتقام بگیرد. (۳: ۵- ۶)

ح. قرعه انداخته شد تا روزی که باید این کشتار اتفاق بیفتد، مشخص شود. (۳: ۷)

خ. هامان نقشه اش را در حضور پادشاه تشریح کرد. (۳: ۸- ۹)

د. پادشاه با نقشه هامان موافقت کرد و قانونی صادر نمود. (۳: ۱۰ – ۱۲)

۳. **نقطه اوج داستان**

اطاعت مردخای از خدا، منجر به قانونی مبنی بر کشتار تمامی یهودیان شد! (۳: ۱۳- ۱۵)

٤. **نتیجه**

پادشاه و هامان به بزم نشستند، اما مردم شوشان از شنیدن این قانون مات و مبهوت شده بودند. (۳: ۱۵)

تلاش (بچه نجات یافته): انتخاب کنید که از خدا اطاعت کنید. (امثال۲۳: ۱۷)

دعوت (بچه نجات نیافته): به عیسی خداوند ایمان بیاورید و نجات یابید. (اعمال۱۶: ۳۱)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: امثال ۲۳: ۱۷

"دل تو به جهت گناهکاران غیور نباشد، اما به جهت ترس خداوند تمامی روز غیور باش."

مقدمه:

وقتی که نادر از کنار یک ساختمان قدیمی و متروکه رد می شد، سه نفر از همکلاسی هایش را دید که به سمت ساختمان سنگ پرت می کردند و شیشه ها را می شکستند.. آنها می خندیدند و به نظر می رسید که حسابی خوش هستند. یکی از پسرها او را صدا کرد:

" عجله کن، نادر! سنگ بردار و ببین آیا می توانی شیشه ای را بشکنی! " این کار سرگرم کننده به نظر می رسید، ولی نادر یک مسیحی بود و عمیقا در دل خود می دانست که این کار اشتباه است. او می بایست چه کار بکند؟ (اجازه دهید پاسخ داده شود.) هر چند بعضی وقت ها ممکن است یک گناه، سرگرم کننده به نظر برسد؛ ولی خدا می خواهد که شما برای او بایستید و از راهنمایی های او سرمشق بگیرید و از آنچه دیگران انجام میدهند، پیروی نکنید.

معرفی:

(توضیح دهید آیه کاملا درست است، زیرا که کلام خدا است. به بچه ها نشان دهید که چطور آیه را پیدا کنند، آنوقت آیه را از کتاب مقدس تان بخوانید. اجازه دهید بچه ها آیه را از روی آیه نمایشی همراه شما بخوانند.)

توضیح:

دل تو به جهت گناهکاران غیور نباشد– آرزو نکنید که شما نیز مانند کسانی که خدا را نمی شناسند، می بودید. آرزو نکنید که شما نیز می توانستید کارهایی را که آنها انجام می دهند، بکنید.
اما به جهت ترس خداوند تمامی روز غیور باش– ترسیدن از خداوند به معنای وحشت کردن از او نیست، بلکه به مفهوم احترام گذاشتن به خداست. بیاد بیاورید خدا از هر آنچه که شما انجام می دهید، می گویید و فکر می کنید، آگاه است.

کاربرد:

نجات یافتگان: اگر شما به عیسی خداوند ایمان آورده اید تا گناهان تان را ببخشد، نباید نسبت به گناهکاران وقتی که به نظر می رسد از زندگی لذت می برند یا به خاطر استفاده از راههای گناه آلود چیزهایی بیشتر از شما دارند، حسادت کنید. وقتی وسوسه می شوید گناه کنید، تصمیم بگیرید که برای خدا بایستید و با علم به اینکه خدا روزی به شما پاداش خواهد داد، آنچه که درست است را انجام دهید.
نجات نیافتگان: اگر شما به عیسی خداوند ایمان نیاورده اید، خدا می داند که گناه کرده اید و می خواهد شما از گناهان تان نجات یابید. وقتی که ما در ادامه این درس کتاب مقدس درباره اینکه چطور می توانید نجات یابید صحبت می کنیم، با دقت به مطالبی که گفته می شود، گوش فرا دهید.

تکرار: کیف فعالیت ها
(روی ۱۰ برگه کوچک کاغذ عبارات کوتاهی را بنویسید که مشخص می کند درحینی که بچه ها آیه را می خوانند، چه کاری باید انجام دهد. برای مثال: سرتان را بمالید، دل تان را بمالید، آرنج دست چپ را نگه دارید، بالا وپائین بپرید و غیره. مواظب باشید که فعالیت های انتخاب شده باعث نشود که بچه ها مفهوم آیه را از یاد ببرند. برگه های کاغذ را درون یک کیف کاغذی قرار دهید، سپس اجازه دهید که بچه ها به نوبت کاغذی را بردارند تا ببینند که چه فعالیتی را باید انجام دهید.)

درس
مقدمه

هر چند که کتاب مقدس دقیقا درباره این مکالمه به ما اطلاعاتی نمی دهد، اما بچه ها از اجرای نمایشی این مقدمه لذت خواهند برد.

مرد عصبانی به دوستش تکیه داد و زمزمه کرد: " پادشاه خشایارشاه باید بمیرد! خیلی ساده یکی از ما به آرامی وارد اطاق خواب او می شود و یک نفر دیگر نگهبانی می دهد."
دیگری با یک پوزخند شیطانی موافقت کرد: " بله" و نجوا کنان ادامه داد: " ما به زودی از دست این پادشاه بزرگ راحت خواهیم شد! "
و با این اطمینان که نقشه پنهانی و مهلک شان موفق خواهد شد، در تاریکی ناپدید شدند. اما مردی را که در تاریکی سایه ایستاده بود، ندیدند- آن مرد تمامی حرف های آنها را شنید و با عجله رفت. او می بایست هرطور شده قبل از اینکه خیلی دیر می شد، این خبر را به پادشاه می رساند!

پیشرفت وقایع

(تصویر 1 - 2 از کتاب تصاویر)

اجازه دهید بچه های پیش دبستانی تا چهار بشمرند. آنها می توانند به استفاده از سن شان، معنی عدد چهار را بفهمند. بچه ها به چنین مشارکت های گفتاری نیاز دارند.

کاغذی را به شکل طوماری پیچیده شده نشان دهید. درحالیکه این قسمت داستان را برای بچه ها تعریف می کنید، آنها از در دست گرفتن طومار لذت می برند.

یک روز صبح زود مردخای در کنار دروازه پادشاه در شهر شوشان نشسته بود. او در آنجا بعنوان قاضی خدمت می کرد و مشاجرات و دعواهای مردم را حل و فصل می کرد. کمی بیش از چهار سال از زمانی که استر، دختر عموی مردخای ملکه امپراطوری فارس شده بود، می گذشت. هرچند که مردخای نمی توانست استر را ببیند، ولی احتمالا می توانست از طریق خدمتکاران قصر پیغام بفرستد و دریافت نماید.
حالا مرخای یک پیغام فوری داشت، که باید به دست ملکه می رسید!
درست چند لحظه پیش او به شکل اتفاقی شنیده بود که دو نفر او نگهبانان توطئه می کنند تا پادشاه خشایارشاه را بکشند!
شاید او پیغام را روی طومار یا تکه ای چرم نوشت، پیچاند و محکم بست تا از چشم همه پنهان بماند. مردخای پیغام را به دست یکی از خدمتکاران قصر داد و به او گفت: " لطفا این را فورا به دست ملکه برسان!" وقتی

که ملکه پیغام مردخای را شنید، سخت وحشت زده شد. استر هم فورا پیغامی مبنی براینکه خدمتکارش مردخای، توطئه ای را برعلیه پادشاه کشف کرده است، به نزد پادشاه فرستاد. پادشاه هم دستور داد که دو نگهبان دستگیر شوند. آنها مقصر شناخته شده و به مرگ محکوم شدند. بعداز اینکه آنها برروی چوبه دار اعدام شدند، تمام داستان، بعلاوه اسم مردخای توسط کاتبان در کتاب وقایع پادشاه ثبت شد. معمولا اگر کسی جان پادشاه را نجات می داد مثل همان کاری که مردخای کرد، می بایست پاداش سخاوتمندانه ای دریافت می کرد، اما بهرحال پادشاه این موضوع را فراموش کرد.

اجازه دهید که یکی از بچه ها اسم مردخای را در دفترچه ای بنویسد و دفترچه را ببندد. دفترچه را برای استفاده در درس چهارم نگه دارید.

(تصویر 2 - 2 از کتاب تصاویر)

چند وقت بعد، پادشاه خشایارشاه هامان یکی از صاحب منصبان خود را به مقام دوم اجرایی در امپراطوری فارس ارتقا داد. هامان یک مرد مغرور و ثروتمند بود و حالا به یکی از قدرتمندترین مردان کل پادشاهی تبدیل شده بود. در فرهنگ فارس، با افرادی مانند پادشاه و شاهزادگان که مقام اجرایی عالی داشتند، تقریبا مثل خدایان رفتار می شد. به این دلیل بود که پادشاه دستور داده وقتی که هامان رد می شود، همگی خدمتکاران باید به او تعظیم کنند! هامان می بایست از قدم زدن در خیابان های شهر لذت برده باشد درحالیکه تمامی خدمتکاران شهر به او تعظیم می کردند. اما هامان متوجه شد که یکی از خدمتکاران به او تعظیم نمی کند. این خدمتکار مردخای بود.

بچه ها از اجرای نمایشی این قسمت از داستان لذت خواهند برد.

(تصویر 3 - 2 از کتاب تصاویر)

خدمتکاران دیگر متوجه شدند که مردخای از تعظیم کردن امتناع می ورزد. آنها پرسیدند: "چرا شما از دستور پادشاه سرپیچی می کنی؟" مردخای پاسخ داد: "زیرا من یک یهودی هستم." او احتمالا به شریعت یهودیان اشاره می کرد که می گفت مردخای نباید به هیچ انسانی تعظیم کند، بلکه تنها به خدا تعظیم نماید. مردخای احساس کرد که با تعظیم کردن در مقابل هامان، نسبت به خدا نافرمانی خواهد کرد، که بسیار بدتر از سرپیچی کردن ازدستور پادشاه بود. هرچند که دیگر خدمتکاران یهودی تعظیم می کردند، اما مردخای تصمیم گرفت که برای آنچه که ایمان داشت درست است، بایستد.

تصمیم گرفتن برای انجام آنچه که ایمان دارید درست است، آسان نیست – مخصوصا وقتی که دیگران کار اشتباه را انجام میدهند. شاید دوستان تان به کلیسا نمی روند و شما را به خاطر رفتن به کلیسا مسخره می کنند. شاید شما دوستانی دارید که مشروبات الکلی می خورند، مواد مضر مصرف می کنند یا اینکه به درون فروشگاه ها می روند و دزدی می کنند. شاید شما دوستانی داشته باشید که با خلافکارانی در ارتباط هستند که به مردم آسیب می رسانند. ممکن است که دوستان تان شما را تحت فشار بگذارند یا تهدیدتان کنند تا به آنها بپیوندید. جرات زیادی می خواهد که در مقابل دوستان تان بایستید و به کارهای اشتباه، نه بگویید. ممکن است به نظر برسد که زندگی آنها از هیجان بیشتری برخوردار



از خدا خواهش کنید که راه های عملی بکار گیری این حقایق را برای بچه ها ی نجات یافته را به شما نشان دهد، تا شما نیز آن راه ها را به ایشان آموزش دهید.
کارت تعلیمی

است و ممکن است وسوسه شوید کارهایی بکنید که آنها انجام می دهند تا توسط آنها پذیرفته شوید. اما اگر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، تصمیم بگیرید تا برای خدا بایستید. ایستادن برای خدا به این معنا است که تصمیم بگیرید، درحالیکه دیگران مصمم هستند که از خدا سرپیچی کنند، شما آنچه که درست است را انجام دهید. کتاب مقدس می گوید: (امثال ۲۳: ۱۷ را تکرار کنید) بجای اینکه آرزو کنید که ایکاش مانند دیگران بودید یا اینکه در گروه آنها بودید، خدا می فرماید که شما باید با تمامی دل تان از او اطاعت کنید. بعد از گذشت زمان خواهید دید که همراهی کردن با کسانی که کارهای اشتباه انجام می دهند، خطرناک و احمقانه است . به عنوان فرزند خدا تصمیم بگیرید تا برای آنچه که درست است بایستید، هرچند که دیگران در اطراف شما این کار را نمی کنند.

کارت با تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته را نشان دهید: انتخاب کنید که از خدا اطاعت کنید و برای او بایستید.

مردخای تصمیم گرفت که برای آنچه که ایمان دارد درست است، بایستد، هرچند که خدمتکاران دیگر در مقابل هامان تعظیم می کردند. هرروز خدمتکاران به مردخای اصرار می کردند تا تعظیم کند، اما او سرسختانه امتناع می ورزید. خدمتکاران می خواستند ببینند که هامان چه خواهد کرد، پس تعدادی از خدمتکاران با او درباره مردی که از تعظیم کردن امتناع می کرد، صحبت کردند. هامان از اینکه کسی اینقدر بی ادب بود، عصبانی شد!

(تصویر 4 - 2 از کتاب تصاویر)

دفعه بعد که هامان از میان دروازه پادشاه رد شد، با دقت زیاد خدمتکاران را زیرنظر گرفت. او مردخای را دید که ایستاده است درحالیکه خدمتکاران دیگر تا نزدیک زمین خم شده بودند. هامان از مردخای بسیار عصبانی شد. او بخاطر آورد که خدمتکاران به او گفته بودند که مردخای از تعظیم کردن سرباز می زند، زیرا که یهودی است. هامان می دانست که تعداد زیادی یهودی در مملکت وجود دارد. تنفر از یهودیان در قلب هامان رشد کرد. هامان با خودش فکر کرد: " من این مردخای و همه قومش را نابود خواهم کرد!" هامان تنها کسی نبود که می خواست قوم خدا را نابود کند. دشمن خدا، شیطان از افراد زیادی در طول تاریخ استفاده کرد تا یهودیان را نابود کند. شیطان می خواست با نابود کردن یهودیان نقشه خدا برای فرستادن نجات دهنده ای که از نسل یهود بدنیا می آمد تا جهان را از گناه نجات دهد، را خنثی سازد.

از آنجا که هدف این درس بر رشد مسیحی متمرکز است، پیغام نجات در آن خلاصه شده است. شما می توانید در زمان دیگری از ساعت کلاس بر معرفی انجیل تاکید کنید.

شیطان گناه را وارد این جهان کرد. شیطان، آدم و حوا یعنی اولین انسان هایی را که خدا آفرید، وسوسه کرد و آنها تصمیم گرفتند تا با شکستن حکم خدا، گناه کنند. همه ما با چنین " خواستی " برای شکستن حکم خدا بدنیا آمده ایم (رومیان ٥: ١٢). به این دلیل است که شما کارهای گناه آلود انجام می دهید. آیا شما می توانید کارهای گناه آلودی را نام ببرید که بچه ها انجام می دهد؟ (اجازه دهید بچه ها مثال بزنند). ممکنه فکر کنید که گناهان تان خیلی بد نیست، ولی خدا از گناه متنفر است؛ زیرا که گناه، شما را از خدا جدا می کند . مجازات گناه، جدایی

ابدی از خدا می باشد. خدا مقدس است. او از همه گناهان پاک است. اما خدا شما را دوست دارد و راهی مهیا ساخت تا گناهان شما را ببخشد.
نقشه او این بود که تنها پسرش، عیسی خداوند را به زمین بفرستد، تا در یک خانواده یهودی به دنیا آید. عیسی بدون گناه زندگی کرد. سپس او به میل خود خونش را ریخت و برروی صلیب مرد، تا بهای مجازات گناه من و شما را بپردازد. کتاب مقدس می گوید: " که در وی به سبب خون او، فدیه یعنی آمرزش گناهان را به اندازه دولت فیض او یافته ایم" (افسسیان ۱: ۷) . عیسی مستحق این نبود که برای ما مجازات شود، اما خدا گناهان ما را برروی دوش عیسی گذاشت، تا ما مجازات نشویم(دوم قرنتیان ۵: ۲۱). سپس او دفن شد و بعد دوباره زنده شد. او امروز در بهشت زنده است. اگر شما به عیسی خداوند ایمان بیاورید، یعنی به او و کاری که برروی صلیب برای شما انجام داد کاملا اطمینان کنید، از مجازات گناهان تان نجات خواهید یافت و خدا شما را از درون تغییر خواهد داد. هرچند که شیطان سعی کرد با آوردن گناه به جهان، خلقت خدا را نابود کند؛ ولی نتوانست نقشه خدا یعنی فرستادن نجات دهنده ای از نسل یهود را برای نجات جهان از گناه، متوقف کند.

هامان یکی از آن دسته افرادی است که شیطان در طول تاریخ از آنها استفاده کرد تا سعی کند که با نابود کردن قوم خدا یعنی یهودیان، نقشه خدا را بی اثر سازد.

(تصویر 5 - 2 از کتاب تصاویر)

هامان مشاورانش را جمع کرد تا به او کمک کنند که بهترین روز را برای اجرای نقشه شیطانی اش انتخاب کند. کتاب مقدس می گوید که آنها " قرعه انداختند" که چیزی شبیه تاس انداختن است. روزی که آنها انتخاب کردند سیزدهم ماه دوازدهم سال بعد بود. ممکن است هامان از این بابت که باید زمان طولانی منتظر می بود، ناامید شد؛ ولی او کاری برخلاف حکم قرعه انجام نمی داد. او از روی خرافات باور داشت که این سرنوشت و شانس بود که این تاریخ را تعیین کرده بود.
هامان درک نکرد که این سرنوشت نبود، بلکه خدا بود که این اتفاقات را کنترل می کرد!
تصمیم مردخای مبنی بر ایستادگی برای باورهایش، باعث به وجود آمدن وضعیت بسیار بدی برای یهودیان شد؛ اما خدا همیشه از راه های غیر قابل دیدن در حال عمل کردن برای خیریت قوم خود می باشد.

کارت تعلیمی
کارت با تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته را نشان دهید.

از آنجا که خدا همیشه برای خیریت شما کار می کند، شما به عنوان فرزند خدا می توانید با اطمینان کامل تصمیم بگیرید که برای خدا بایستید. بعضی وقت ها به نظر می رسد اشخاصی که کارهای اشتباه انجام می دهند، شاد بوده و لذت بیشتری می برند. به آنها حسادت نکنید. آیه حفظی مان را بیاد بیاورید (امثال ۲۳: ۱۷ را تکرار کنید). وقتیکه به اطمینان کردن به خدا و اطاعت کردن از او ادامه می دهید، خداوند "ایستادن" شما را محترم خواهد داشت. او از طرقی کار می

کند که ممکن است شما هیچ چیز درباره آن ندانید. ممکن است ببینید که دوست تان از راه های اشتباه خود دست کشیده است، چون کاری که شما انجام داده اید را دیده است. حتی ممکن است بعضی افراد بخاطر آن جراتی که در شما می بینند، به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده شان ایمان بیاورند. اما وقتی دیگران از شما می خواهند کار اشتباهی انجام دهید، چطور برای خدا می ایستید؟ اول بیاد آورید که شما فرزند خدا هستید و درباره این موضوع فکر کنید که او از شما چه کاری می خواهد انجام دهید. آنوقت از خدا بخواهید به شما جرات دهد تا به چیزهای اشتباهی که شما را وسوسه می کنند، بگویید نه. شاید لازم است از خدا بخواهید شما را به سوی دوستان دیگری هدایت کند که شما را مجبور به انجام کارهای اشتباه نکنند. تصمیم گرفتن مبنی بر ایستادن برای خدا وقتی که دیگران این کار را انجام نمی دهند، آسان نیست؛ اما خدا به شما کمک خواهد کرد. او می تواند به شما قوت و جرات دهد تا برای او با اطمینان بایستید، با علم به این نکته که او در حال کارکردن است. شاید او به روش های غیرقابل دیدن برای خیریت شما کارمی کند.

بچه های نجات یافته را تشویق کنید تا از خدا اطاعت کنند و برای او بایستند. به ایشان کمک کنید تاببینند که عمل مراقبت و فراهم سازی خدا به ایشان اطمینان می بخشد که از خدا اطاعت کنند و برای او بایستند.

هرچند که مردخای تصمیم گرفت که برای خدا بایستد و این باعث شد که قوم یهود در وضعیت بسیاربدی قرار بگیرند، اما خدا از طرق غیر قابل دیدن برای خیریت قوم خود در حال کارکردن بود.
هامان باور داشت که سرنوشت و مسیر تاریخ را مشخص کرده بود و یهودیان نابود خواهند شد. حال او می بایست پادشاه را می دید ونقشه خود را رسمی و معتبر می کرد.
هامان به پادشاه خشایارشاه گفت: " نژاد مشخصی از مردم وجود دارد که در سراسر پادشاهی پخش شده اند و با بقیه مردم متفاوت هستند. احکام آنها متفاوت است – آنها از دستورات شما اطاعت نمی کنند. برای شما خوب نیست بگذارید که آنها زنده بمانند. اگر مایل هستید، اجازه دهید که قانونی نوشته شود تا بر اساس آن قانون آنها نابود شوند. "
حتی هامان پیشنهاد کرد که مقداری نقره به ارزش میلیونها تومان به پادشاه بدهد تا به مردانی که این کشتار را انجام می دهند، بپردازد.
شما انتظار دارید که پادشاه سوالات زیادی بپرسد، مثلا: " این مردم چه کسانی هستند؟ آنها از کجا آمده اند؟ آنها چند نفر هستند؟ چه کارهای شرورانه ای انجام داده اند که مستحق مرگ هستند؟ "
اما پادشاه خشایارشاه هیچ سوالی نکرد، پادشاه گفت: " هرآنچه که مایلی انجام بده " و مهر حکومتی را به هامان داد. انگشتر پادشاه روی گل یا موم نرم فشار داده می شد تا مهر سلطنتی را روی مدارک اداری بزنند و آن مدرک را به قانون تبدیل کنند. حالا هامان اجازه داشت تا هر قانونی که آرزو داشت را بسازد.

در صورت امکان انگشتر مهردار یا دستگاه چاپی بیاورید که برای مهر کردن حروف، از موم استفاده می کند. اگر زمان اجازه می دهد، می توانید چگونگی استفاده کردن از موم را نشان دهید. بچه ها از دیدن چنین چیزهایی لذت می برند.

(تصویر 6 - 2 از کتاب تصاویر)

هامان دستور داد تا کاتبان پادشاه قانون را بنویسند. قانونی که می گفت، بدستور پادشاه در روز سیزدهم ماه دوازدهم تمام یهودیان سراسر پادشاهی می بایست نابود شوند. مردان، زنان و بچه ها، جوانان و پیران همگی

می بایست نابود شوند و تمام دارایی هایی که دارند نیز مصادره گردد. نسخه های قانون به زبان های مختلف مردم سراسر مملکت درست شد و با انگشتر پادشاه مهر شد تا تبدیل به قانونی شود که هرگز نمی توانست تغییر یابد. پیغام رسانان نسخه ها را گرفتند و با سرعت به تمامی ایالت ها بردند.

نقطه اوج داستان

ایستادگی سرسختانه مردخای منجر به محکومیت مرگ برای تمام یهودیان شد!

نتیجه

در حالی که نقشه شیطانی هامان در دست اجرا بود، هامان و پادشاه نشستند و از جشن عیش و نوش لذت می بردند. وقتی که مردم شوشان محتوای وحشتناک قانون را خواندند، متعجب شدند. آنها نمی توانستند تصور کنند که یهودیان چه کاری کرده بودند که مستحق چنین مجازات سختی باشند.

به نظر می رسید که خدا قوم خود را ترک کرده بود، ولی او این کار را نکرد! آینده نگری خدا از طریق راه های غیرقابل دیدن در حال عمل کردن بود. او همچنان از قوم خود مراقبت می کرد و حتی این وضعیت بسیار وحشتناک را کنترل می کرد. اما حال در این موقعیت، ایستادن برای خدا کار آسانی نبود.

کارت با تعریف مراقبت و فراهم سازی خدا را نشان دهید. (درس اول را ببینید.)

تلاش

ممکن است بعضی وقت ها ایستادن برای خدا را کار آسانی نیابید. آیه حفظی ما می گوید: (امثال ۲۳: ۱۷ را با هم تکرار کنید). بجای اینکه نسبت به آنانی که کارهای اشتباه می کنند، تنها بخاطر اینکه به نظر می رسد سرگرمی و تفریح بیشتری دارند، حسادت بورزید؛ آیا این هفته تصمیم خواهید گرفت که برای خدا بایستید؟ بیاد بیاورید که شما فرزند خدا هستید! درباره این فکر کنید که او می خواهد شما چه کاری انجام دهید. از او بخواهید تا به شما جرات دهد تا به کارهای اشتباهی که شما را وسوسه می کنند، نه بگویید.

از او بخواهید که شما را به سوی دوستانی هدایت کند که سعی نخواهند کرد شما را مجبور به انجام کارهای اشتباه کنند. او می تواند به شما قوت و جرات دهد تا با اطمینان برای او بایستید، با این آگاهی که او احتمالا از طرق غیرقابل دیدن برای خیریت شما در حال کار کردن است.

برگه ای که به خانه می برید، جایی دارد که می توانید تصویری از یک روش که برای خدا خواهید ایستاد را بکشید. این برگه را در محلی قرار دهید تا بتوانید هر روز آن را ببینید و به شما کمک کند تصمیم بگیرید که برای خدا بایستید. هفته آینده می توانید در مورد اینکه خدا چطور به شما کمک کرد تا برای او بایستید، با ما صحبت کنید.



کارت تعلیمی

کارت تعلیمی با تاکید برای بچه نجات یافته را نشان دهید.

مطمئن شوید که از بچه های نجات یافته بخواهید که به آنچه در این هفته آموخته اند، عمل نمایند. می توانید کارت های " خانگی " تهیه کنید و تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته را روی آن بنویسید.

دعوت

(تصویر 7 - 2 از کتاب تصاویر)

برای اینکه بتوانید برای خدا بایستید، اول باید عیسی خداوند را داشته باشید که در شما زندگی می کند. او می تواند گناهان تان را ببخشد وشما را از درون تغییر دهد. اگر شما می دانید که گناه کرده اید و ایمان دارید که عیسی خداوند برای شما مرد و دوباره زنده شد، می توانید امروز نجات یابید. کتاب مقدس می گوید: "به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت"
(اعمال ۱٦: ۳۱). آیا شما با ایمان آوردن (کاملا اطمینان کردن) به عیسی خداوند از گناهان تان برمی گردید و از مجازات گناهان تان نجات خواهید یافت؟
اجازه دهید همگی سرهای مان را خم کنیم و چشم های مان را ببندیم. اگر مایلید که ایمان بیاورید و امروز نجات یابید، آیا با ایستادن در کنار صندلی تان آنرا به من نشان خواهید داد؟ (مکث کنید و متوجه جواب ها شوید.) اگر شما ایستاده اید، لطفا مرا (در مکان و زمان مشخص) ملاقات کنید تا من بتوانم از روی کلام خدا به شما نشان دهم که چطور می توانید نجات یابید.

با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید، از بچه ها دعوت کنید تا عیسی مسیح خداوند را قبول کنند. برای آموزش های بیشتر به " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد "، مراجعه کنید.

سوالات مروری

۱. مردخای چطور زندگی پادشاه را نجات داد؟ (او توطئه ای را که برا ی قتل پادشاه طراحی شده بود به اطلاع استر رساند.)
۲. چرا قرار بود که مردم به هامان تعظیم کنند؟ (او یکی از مهمترین بزرگان دربار پادشاه بود و پادشاه چنین دستور داده بود.)
۳. وقتی که دوستان تان از شما می خواهند که کار اشتباهی انجام دهید، خدا می خواهد که شما چه کار کنید؟ (برای انجام دادن کار درست بایستید.)
٤. چرا فکر می کنید مردخای نمی خواست به هامان تعظیم کند؟ (مردخای یک یهودی بود و خدا دستور داده بود که یهودیان تنها او را بپرستند و جلوی او تعظیم کنند.)
۵. وقتی هامان فهمید مردخای به او تعظیم نمی کرد، تصمیم گرفت که چه کار کند؟ (مردخای و همچنین دیگر یهودیان را بکشد.)
۶. چرا عیسی می بایست روی صلیب بمیرد؟ (تا مجازاتی را که ما بخاطر گناهان مان مستحق آن هستیم را بردارد، پس ما مجازات نخواهیم شد.)
۷. وقتی که قرعه انداخته شد تا روز نابودی یهودیان مشخص شود، چه کسی واقعا چیزهایی را که اتفاق افتاد کنترل می کرد؟ (خدا)
۸. چند چیز خوب که ممکن است وقتی شما تصمیم می گیرید برای خدا بایستید اتفاق بیافتد را ذکر نمایید؟ (ممکن است شخص دیگری تصمیم بگیرد که کار درست را انجام دهد. شخص دیگری ممکن است که به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده اش ایمان بیاورد.)
۹. پادشاه به هامان چه چیزی داد تا نشان دهد که هامان این اختیار را دارد که هر قانونی را که آرزو می کند، درست کند؟ (انگشترش را داد تا مهر مخصوصی توسط آن درست شود و به هامان گفت هر قانونی را که هامان در رابطه با یهودیان بخواهد، می تواند درست کند.)
۱۰. فکر می کنید چرا قانون به زبانهای زیادی نوشته و در نقاط مختلف کشور پخش شد؟ (تا هر کسی قادر باشد که قانون جدید را بشنود و آن را بفهمد.)
۱۱. چرا ممکن است که یهودیان فکر کرده بودند خدا از آنها مراقبت نمی کند؟ (قانون می گفت که همه آنها می بایست بمیرند.)
۱۲. وقتی شما فکر می کنید که خدا در حال مراقبت از شما نیست، چه کاری باید انجام دهید؟ (به او اعتماد کنید و از او بخواهید تا به شما جرات و قوت دهد، تا بدانید که او واقعا در حال مراقبت از شما است.)

بازی مروی
" عبارت پازل "
کلمات " انتخاب کن که از خدا اطاعت نمایی " را روی ورقه ای از کاغذ بنویسید و کاغذ را در دوازده قسمت ببرید. وقتی که بچه ای یکی از سوالات را به درستی پاسخ می دهد، می تواند انتخاب کند که یکی از قطعات پازل در جای خود قرار گیرد.

درس ۳
فریاد کمک

متن کتاب مقدس	استر۳: ۱۵- ٤: ۱۷
آیه حفظی	مزمور۵۰: ۱۵ " پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تمجید نمایی."
هدف تعلیم	بچه نجات یافته پیش از آنکه عکس العملی نشان دهد، خدا را خوانده و کاملاً به او تکیه خواهد کرد.
تعلیم اصلی	خدا را بخوانید تا به شما کمک کند.
تاکید برای نجات نیافتگان	عیسی خداوند را بخوانید تا نجات یابید.
کمک های تصویری	تصاویر **3-1 – 3-7**

خطوط اصلی درس

۱. **مقدمه**
دنگ، دنگ، دنگ**!** یک نسخه از قانون وحشتناک جدید پادشاه، برای اطلاع عموم در شهر شوشان بر روی یک تیرک چوبی میخ شد.

۲. **پیشرفت وقایع**
الف. مردم شوشان به خاطر قانون پادشاه گیج شدند. (۳: ۱۵)

ب. مردخای در پلاس و خاکستر در بیرون دروازه پادشاه ماتم گرفت. (٤: ۱- ۲)

پ. وقتی که دستور پادشاه در هر ایالتی دریافت می شد، یهودیان ماتم عظیمی می گرفتند. (٤: ۳)

ت. وقتی که مردخای لباس هایی را که استر برای او فرستاده بود، نپذیرفت؛ استر یکی از خدمتکاران مورد اطمینان به نام هتاک را فرستاد، تا ببیند که چه چیزی موجب ناراحتی مردخای شده بود. (٤: ٤- ۶)


ث. مردخای هتاک را از توطئه قتل یهودیان آگاه کرد و از

او خواست که به استر اصرار کند که برای نجات جان یهودیان به پادشاه التماس کند. (٤: ٧- ٩)

ج. استر به پیغام مردخای پاسخ داد و به او یادآوری کرد که اگر بدون دعوت به پادشاه نزدیک گردد، ممکن است کشته شود. (٤: ١٠- ١٢)

چ. مردخای درباره خطری که خود استر را نیز تهدید می کرد، به استر هشدار داد و به او یادآوری کرد که ممکن است " برای چنین وقتی " استر به عنوان ملکه در دربار پادشاه قرار گرفته بود. (٤: ١٣- ١٤)

ح. استر به مردخای گفت که پیش از اینکه او زندگی اش را با نزدیک شدن به پادشاه به خطر اندازد، مردخای یهودیان را برای سه روز روزه گرفتن جمع کند. (٤: ١٥ - ١۶)

٣. **نقطه اوج داستان**

درحینی که استر از همه یهودیان تقاضای کمک نموده بود، با شهامت خود را نیز برای وارد عمل شدن آماده کرد، هر چند که ممکن بود کشته بشود! (٤: ١۶)

٤. **نتیجه**

مردخای و دیگر یهودیان همان کاری را که استر دستور داد، انجام دادند.(٤: ١٧)

تلاش(بچه نجات یافته): خدا را بخوانید تا به شما کمک کند. (مزمور ۵٠: ١۵)

دعوت (بچه نجات نیافته): عیسی خداوند را بخوانید تا نجات یابید.(رومیان١٠: ١٣)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: مزمور ۵٠: ١۵
"پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تمجید بنمایی."

مقدمه:

آیا شما نیز مشکلات و گرفتاری هایی در زندگی خود دارید؟ (اجازه دهید که بچه ها تعدادی از آنها را نام ببرند.) خدا در کتاب مقدس به ما می گوید که در زمان سختی ها چه کاری انجام دهیم.

معرفی:

(توضیح دهید که آیه کاملا درست است، زیرا که کلام خدا است. به آنها نشان دهید که چطور آیه را پیدا کنند. آنوقت آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید. اجازه دهید که بچه ها آیه را از روی آیه نمایشی با شما بخوانند.)

توضیح:

پس در روز تنگی مرا بخوان – وقتی که شما مشکلی دارید، می توانید درباره آن با خدا صحبت کنید و از او بخواهید تا به شما کمک کند.
تا تو را خلاصی دهم – ممکن است که خدا همیشه مشکل را دور نکند، ولی او از شما مراقبت خواهد کرد و به شما کمک خواهد نمود.
تا مرا تمجید بنمایی – وقتی که خدا به شما کمک می کند، با تشکر کردن از او و آگاه کردن دیگران از این امر که خدا به شما کمک کرده است، او را مورد ستایش و احترام قرار دهید.

کاربرد:

نجات یافتگان: آیا قبلا خدا را خوانده اید، تا شما را از گناه نجات دهد؟ پس می توانید در سختی ها نیز خدا را بخوانید تا به شما کمک کند. او صدای شما را خواهد شنید و به شما پاسخ خواهد داد.
نجات نیافتگان: شما نیز می توانید بعد از اینکه خدا را خواندید تا شما را از گناهان تان نجات دهد، او را بخوانید تا به شما کمک کند. او تنها کسی است که می تواند تمام کارها، تمام سخنان و تمام افکار شما که به نحوی شریعت خدا را شکسته است، را ببخشد. شما در ادامه درس امروز فرصت خواهید داشت که عیسی را بخوانید تا شما را از گناهان تان ببخشد.

تکرار: کیف فعالیت ها

(روی ۱۰ برگه کوچک کاغذ عبارات کوتاهی را بنویسید که مشخص می کند درحالیکه بچه ها آیه را می خوانند چه کاری باید انجام دهند. برای مثال: سرتان را بمالید، دل تان را بمالید، آرنج دست چپ را نگه دارید، بالا و پایین بپرید و غیره. مواظب باشید که فعالیت انتخاب شده، باعث نشود که بچه ها مفهوم آیه را از فراموش کنند. برگه های کاغذ را درون یک کیف مقوایی بگذارید، آنوقت اجازه دهید که بچه ها به نوبت کاغذی را بردارند تا ببینید که چه فعالیتی را باید انجام دهید.)

درس
مقدمه

دنگ ، دنگ، دنگ! خدمتکار میخی را به یک تیرک چوبی که در بازار شوشان قرار داشت، کوبید تا نسخه ای از قانون جدید پادشاه را به آن تیرک بکوبد. در بازار همه مردم می توانستند قانون جدید را بخوانند. خدمتکار دوباره سوار اسبش شد و با سرعت از شهر بیرون رفت. تعداد دیگری از نسخه های قانون بود که می بایست تا پایان روز آنها را به مقصد می رساند.

اجازه دهید که شخصی به شما کمک کند و میخی را به قطعه چوبی بکوبد. بدین طریق مقدمه درستان واقعی تر جلوه می کند.

پیشرفت وقایع

(تصویر 1 - 3 از کتاب تصاویر)

مردم کنجکاو دور تیرک جمع شدند تا دستور پادشاه را بخوانند. آنها غمگین ومتعجب برگشتند. تمامی یهودیان می بایست در روز سیزدهم ماه دوازدهم کشته می شدند!

فارسیان می بایست از خود پرسیده باشند مگر یهودیان چه کاری کرده اند که چینن مجازات سختی را موجب شده است؟ آنها به خاطر این قانون ظالمانه که به سراسر پادشاهی برده می شد، مات و مبهوت شدند.

وقتی که مردخای دستور را می خواند، قلبش به خاطر قومش پر از اندوه شد، مردخای با امتناع کردن از تعظیم درمقابل هامان، یهودیان را در چنین خطر وحشتناکی قرار داده بود. او بیرون دروازه پادشاه ایستاد و در حالی که با پوشیدن پلاس و خاکستر اندوه خود را نشان می داد، بلند فریاد می زد.

وقتی یهودیان این قانون را که هرگز نمی توانست تغییر یابد، خواندند؛ در همه ایالت ها روزه گرفتند و گریه کردند.

پلاس پارچه ضخیم و زبری است که از موی بز درست می شود. پوشیدن پلاس، نشستن در خاکستر و فریادهای بلند سردادن، از آداب و رسوم معمول پارسیان و یهودیان برای عزاداری بود. لمس یک تکه کرباس یا پارچه زبر دیگری به بچه ها کمک می کند.

(تصویر 2 - 3 از کتاب تصاویر)

ظاهرا ملکه استر که در قصر بود تا این زمان از حکم جدید آگاه نشده بود. خدمتکارانش به او گفتند که مردخای در بیرون دروازه پادشاه، پلاس و خاکستر پوشیده و بسیار اندوهگین است. استر از خود پرسید که چه چیزی اتفاق افتاده است که باعث چنین غمی در مردخای شده است . او احتمالا آرزو کرد که با عجله بیرون برود و به مردخای دلداری بدهد، ولی قانون فارس به او چنین اجازه ای نمی داد. استر مقداری لباس جمع کرد و آنها را به نزد مردخای فرستاد. اما مردخای لباس ها را نپذیرفت. وقتی که استر از این موضوع آگاه شد، عمیقا نگران شد. او هتاک را که یک خدمتکار مورد اطمینان بود به نزد مردخای فرستاد تا بفهمد که چه چیزی او را ناراحت کرده است.

بچه ها از اجرای نمایش بر خورد هتاک و مردخای لذت خواهند برد.

(تصویر 3 - 3 از کتاب تصاویر)

هتاک مردخای را در میدان شهر روبروی دروازه پادشاه پیدا کرد. هتاک گفت: "ملکه بسیار نگران است. او می خواهد بداند که چه چیزی شما را ناراحت کرده است."

مردخای هر آنچه را که اتفاق افتاده بود به هتاک گفت. او گفت که از تعظیم کردن در مقابل هامان امتناع نمود و عصبانیت هامان به خاطر این موضوع منجربه قانون وحشتناکی شده است که اعلام می کند تمام یهودیان مملکت باید کشته شوند.
مردخای در ادامه توضیح داد: " هامان قول داده است که نقره زیادی به خزانه پادشاه بدهد تا ببیند که یهودیان نابود شده اند. " او نسخه ای از دستور را که در شهر اعلان شده بود، به هتاک داد.
مرخای اصرار کرد: " این را به ملکه بده. به او بگو که باید به نزد پادشاه برود وبرای زندگی قوم خودش یعنی یهودیان به پادشاه التماس کند!"
هتاک به نزد ملکه برگشت و نسخه قانون را به او داد. او دقیقا چیزهایی که مردخای به او گفته بود را برای ملکه بازگو کرد.

(تصویر 4 - 3 از کتاب تصاویر)

چشمان استر روی کلمات حرکت می کرد. وقتی فهمید که او و قومش در چه خطر بزرگی قرار دارند، قلبش می بایست به تندی تپیده باشد. او احتمالا به پیغام مردخای نیز فکر کرد. پیغام مردخای می گفت که او باید به خاطر قومش به نزد پادشاه برود. می بایست استر با خود اندیشیده باشد، مردخای نمی فهمد! او قوانین فارس را فراموش کرده است. آنچه که او می خواهد من انجام دهم جانم را به خطر می اندازد! قانون فارس می گفت که اگر کسی بدون اینکه دعوت شود به نزد پادشاه برود، شاید فورا به مرگ محکوم می شد، مگر اینکه پادشاه با بلند کردن عصای طلائی اش به او رحم می کرد (عصا یک چوب مخصوص بود که نشانه قدرت و اختیار پادشاه بود). ماه پیش پادشاه استر را نخوانده بود تا به نزدش برود. استر می بایست اندیشیده باشد: " می دانم که قوم من احتیاج به کمک دارد، اما نمی توانم جانم را با رفتن به نزد پادشاه به خطر بیندازم!" استر و قومش مشکل بزرگی داشتند. استر برای دریافت کمک کجا می توانست برود؟

تصویر یا نمونه واقعی یک عصا برای بچه ها جالب خواهد بود.



وقتی که شما در زندگی تان مشکلی دارید، آیا می دانید برای کمک به کجا بروید؟ همه ما با سختی ها روبرو می شویم. شاید پدر یا مادرتان شغلش را از دست داده است و شما نگرانید که خانواده تان چطور پول کافی برای خریدن چیزهای مورد نیاز را تهیه کند. شاید کسی را که دوست دارید، خیلی مریض است و ممکن است زمان زیادی زنده نماند. شاید در مدرسه مشکل دارید. شاید یکی از دروس تان برای شما خیلی سخت است. سختی های زندگی تان می تواند شما را نگران، وحشت زده وحتی عصبانی نماید. بعضی وقت ها دیگران می توانند به شما کمک کنند، اما مردم همیشه نمی دانند که چه کار کنند. ممکن است آنها جواب هایی که شما نیاز دارید را نداشته باشند. اما کسی را می شناسم که همیشه آماده و قادر به کمک کردن است!
اگر شما عیسی خداوند را بعنوان نجات دهنده تان می شناسید، می توانید خدا را بخوانید تا به شما کمک کند. او پدر آسمانی شما است و وعده داده است که از شما مراقبت می کند و نیازهای تان را رفع می نماید.

با استفاده از مثال هایی که مربوط به بچه های کلاس شما می شود، به این کار برد حالت بسیار عملی بدهید.

کارت تعلیم
کارت تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته را نشان دهید: خدا را بخوان تا به تو کمک کند.

در آیه حفظی امروز ما خدا می فرماید: (مزمور ۵۰: ۱۵ را با هم تکرار کنید). شما می توانید به وعده خدا اطمینان کنید، تا شما را نجات دهد و شما او را جلال دهید. چقدر مایه تسلی است، وقتی که در زندگی تان دچار مشکلات هستید، ولی می دانید که برای کمک به کجا بروید!

استر و قومش در مشکل بزرگی بودند. او باید برای کمک به کجا می رفت؟ رفتن به نزد پادشاه، آنطوری که مردخای گفته بود، خطرناک به نظر می رسید. شاید هتاک می توانست نگرانی را در چهره استر ببیند.
استر گفت: "تو باید این پیغام را به مردخای بدهی. تمای خدمتکاران سراسر پادشاهی می دانند که اگر کسی جرات کند بدون اینکه توسط پادشاه خوانده شود به بارگاه داخلی به نزد پادشاه برود، کشته خواهد شد . تنها کسی زنده می ماند که پادشاه عصای طلایی را به سوی او بلند کند."
سپس او اضافه کرد: "به مردخای بگو که مدت۳۰ روز است که برای رفتن به نزد پادشاه، خوانده نشده ام."

(تصویر 5 - 3 از کتاب تصاویر)

هتاک با عجله به سوی مردخای رفت و پیغام ملکه را به او داد. وقتی که مردخای به پیغام استر گوش داد، چهره اش درهم شد. او می دانست که با رفتن به نزد پادشاه، زندگی استر در خطر بزرگی قرار خواهد گرفت.
مردخای محکم گفت: " هتاک، تو باید این پیغام را به ملکه برسانی: فکر نکن که چون ملکه هستی و در قصر زندگی می کنی وقتی که تمام یهودیان کشته شوند، تو زنده خواهی ماند. اگر تو برای قوم ات صحبت نکنی، آنها به روش دیگری نجات خواهند یافت ، اما تو و خانواده پدرت نابود خواهید شد."
منظور مردخای از اینکه یهودیان به روش دیگری نجات خواهند یافت چه بود؟ حتی اگر استر کمک نمی کرد، مردخای می دانست که خدا از راهی استفاده می کرد تا از قوم خودش محافظت کند.

من و شما می دانیم که خدا همیشه از قومش حفاظت می کرد، زیرا که وعده داده بود که از میان یهودیان نجات دهنده ای به جهان خواهد آمد. کتاب مقدس به ما می گوید که خدا به وعده اش وفا کرد. سال ها بعداز اینکه این واقعه اتفاق افتاد، خدا پسرش یعنی عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده به جهان فرستاد. او از آسمان به روی زمین آمد و در یک خانواده یهودی بدنیا آمد. او آمد تا برای گناه تمام دنیا برروی صلیب بمیرد. عیسی خداوند برای تمام گناهان شما مرد. برای تمام راه هایی که شما با آنها شریعت خدا را شکسته اید. آیا می توانید چیزهایی را نام ببرید که بچه ها با انجام آنها، شریعت خدا را می شکنند؟ (اجازه دهید بچه ها مثال بزنند.)
عیسی خداوند نمی بایست به خاطر گناه می مرد. او کامل بود. او در خود هیچ گناهی نداشت. او مایل بود بمیرد، زیرا که شما را دوست دارد. کلام خدا می فرماید: " لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد."

از آنجا که این درس بر رشد مسیحی متمرکز شده، پیغام نجات در آن خلاصه شده است. شما می توانید در زمان دیگری از ساعت کلاس، بر معرفی انجیل تاکید کنید.

اجازه دهید که زمان بحث به بچه ها کمک کند که نیاز شان را احساس کنند. بحث به بچه ها کمک می کند که حقایق تعلیم داده شده را بفهمند.

(رومیان ۸:۵). گناه شما باعث مجازات بسیار بدی برای او شد. او مضروب و کوفته شد. وقتی که انسانها او را به صلیب میخکوب کردند، خون از دست ها و پاهایش جاری شد. کتاب مقدس می فرماید: "و ما را از گناهان مان به خون خود شست" (مکاشفه ۱:۵). عیسی خداوند مجازاتی که شما مستحق آن بودید را برداشت. بعد از اینکه او مرد، آنها بدنش را از روی صلیب برداشتند. او دفن شد، اما او مرده باقی نماند و بعد از سه روز دوباره زنده شد و حالا در بهشت است. شما امروز می توانید عیسی خداوند را بخوانید تا شما را از مجازات گناهان تان نجات دهد. عیسی خداوند، نجات دهنده ای بود که خدا وعده داده بود از میان قوم خود یعنی یهودیان بفرستد. خدا همیشه از یهودیان محافظت می کرد.

وقتی که درباره سه روز صحبت می کنید، سه تا از انگشتان تان را بالا بگیرید و با بچه ها ی پیش دبستانی تا سه بشمارید.

مردخای می دانست که حتی اگر استر کمک نمی کرد، خدا از راهی استفاده می کرد و قومش را حفظ می کرد.
مردخای آخرین درخواست را به هتاک داد تا به ملکه برساند: "استر، شاید شما به این دلیل ملکه شده اید!" مردخای می بایست باور داشته باشد که خدا در آینده نگری اش، شرایط را طوری ترتیب داد تا استر بتواند در چنین موقعیت بی نظیری به قومش کمک کند.

کارت با تعریف مراقبت و فراهم سازی خدا را نشان دهید.

(تصویر 6 - 3 از کتاب تصاویر)
هتاک به نزد ملکه برگشت وتمامی آنچه را که مردخای گفته بود، به ملکه بازگو کرد. وقتی که استر به حرف های مردخای فکرکرد ، ممکن است از خود پرسیده باشد، آیا چنین چیزی می تواند حقیقت داشته باشد؟ آیا خدا در حال عمل کردن بود تا مرا به اینجا بیاورد و من بتوانم به قوم خود کمک کنم؟ شاید استر هرگز قبلا به موقعیت خودش از این زاویه نگاه نکرده بود. استر می دانست که باید چه کاری انجام دهد.
او به هتاک گفت: "به مردخای بگو که برود و تمامی یهودیان شوشان را جمع کند و برای من روزه بگیرند. برای سه شبانه روز هیچ چیزی نخورید یا ننوشید. ندیمه های من و خود من نیز روزه می گیریم. آنوقت من به نزد پادشاه خواهم رفت، هرچند که این برخلاف قانون است و اگر هلاک شدم، هلاک شدم!"
وقتی که استر از یهودیان خواست که روزه بگیرند، احتمالا از آنها خواست که دعا نیز بکنند. معمولا در فرهنگ یهود، دعا و روزه با هم انجام می گرفت. وقتی که یهودیان روزه می گرفتند و دعا می کردند، پاسخ دعا را پیش بینی می کردند! استر می بایست می دانست که او و قوم نمی توانند با مشکل وحشتناک شان به تنهایی روبرو شوند . آنها به کمک خدا نیاز داشتند.



همچنین شما نیز لازم نیست که به تنهایی با مشکلات تان روبرو شوید. اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، می توانید برای کمک خدا را بخوانید. بیایید تا آیه حفظی مان را با هم بگوییم. (مزمور ۵۰: ۱۵ را تکرار کنید.) خواندن خدا به معنای صحبت کردن با او در دعا می باشد. شما می توانید هر جا و هر وقت خدا را

کارت تعلیمی
کارت با تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته را نشان دهید.

بخوانید. حتی شما نیاز ندارید که چشم های تان را ببنید یا کلمات را بلند ادا کنید. بجای اینکه نگران شوید، بترسید یا عصبانی شوید، تنها در مورد مشکل تان در زندگی با خدا صحبت کنید. از او بخواهید تا به شما کمک کند و درحینی که منتظر او هستید، به او اطمینان کنید. با او درباره پدر یا مادرتان که به شغل نیاز دارند ، دوست تان که بسیار مریض است یا در مورد درس های مشکل و سخت مدرسه صحبت کنید.
از او بخواهید که دراین مشکلات به شما کمک کند، سپس در حالی که منتظر او هستید، به او اطمینان کنید. خدا به عنوان پدر آسمانی تان شما را دوست دارد و مشتاق هست به شما کمک کند و به شما آرامش ببخشد. وقتی که خدا وعده می دهد که شما را " نجات می دهد "، ممکن است به این مفهوم باشد که مشکل را متوقف می کند. ممکن است که فورا کاری برای پدر یا مادرتان فراهم کند، یا اینکه دوست تان را شفا دهد. ولی اگر خدا تصمیم بگیرد که این کار را نکند آیا بدین معنا است که او صدای شما را نشنیده است یا نمی خواهد به شما کمک کند؟ (اجازه دهید پاسخ داده شود) نه! خدا شما را در زمان عالی و به روش عالی خود نجات خواهد داد. او به شما قوت خواهد داد تا با آنچه که در حال اتفاق افتادن است، دست وپنجه نرم کنید.
آینده نگری خدا را بخاطر آورید. او به روش های غیرقابل دیدن در حال کار کردن است تا از شما مراقبت کند و حوادث زندگی تان را به خیریت تان کنترل کند. شاید او می خواهد شما یاد بگیرید که به او بیشتر اعتماد کنید، بنابراین اجازه می دهد تا شما زمان بیشتری در مشکل تان بمانید. این مهم نیست که خدا چطور به دعای شما پاسخ می دهد، او هر آنچه را که برای شما اتفاق می افتد کاملا کنترل می کند. هرآنچه که پاسخ خدا باشد، شما می توانید از او تشکر کنید و از او به خاطر کارش در زندگی تان تشکر کنید. سعی نکنید که با مشکل تان به تنهایی روبرو شوید. خدا را بخوانید، به او اطمینان داشته باشید که به شما کمک خواهد کرد.

به بچه های نجات یافته کمک کنید بفهمند که مراقبت و نگهداری خدا به ما کمک می کند تا به او اعتماد کنیم که به دعاهای ما پاسخ می دهد. کارت با تعریف مراقبت و فراهم سازی خدا را نشان دهید. (درس ۱ را ببینید)

استر می باید می دانست که او و قومش نمی توانستند به تنهایی با مشکل شان روبرو شوند. آنها به کمک خدا نیاز داشتند. استر پیغام را به هتاک داد. او از مردخای خواست که یهودیان را جمع کند و برای سه روز روزه بگیرند.

نقطه اوج داستان

وقتی که استر از یهودیان تقاضای کمک کرد، شجاعانه آماده می شد تا دست به اقدام بزند، حتی اگر به قیمت جانش تمام می شد.

نتیجه

هتاک پیغام استر را به مردخای رساند. وقتی مردخای فهمید که استر برای قومش خواهد ایستاد، خیلی آسوده خاطر شد! او با عجله در حالی که پلاس پوشیده بود، رفت تا این خبر را در بین یهودیان پخش کند. آنها می باید جمع می شدند تا برای ملکه استر، سه روز روزه بگیرند. سپس

او می بایست به حضور پادشاه می رفت و برای نجات زندگی یهودیان التماس می کرد! استر از یهودیان تقاضای کمک کرده بود و آنها می باید با خوشحالی آن کار را انجام می دادند.
امید استر و دیگر یهودیان به روزه و دعای خودشان نبود. تنها امید آنها برای نجات از مشکل شان، نیکویی خدای عظیم شان بود. خدایی که از پاسخ دادن به دعاهای قومش لذت می برد.

تلاش

انگشتان تان را بالا بگیرید و به همراه بچه های پیش دبستانی تا ۳ بشمارید.



کارت با تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته را نشان دهید.

کارت های " خانگی" تهیه کنید که حاوی تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته می باشد.

همچنین همان خدا تنها امید شما نیز برای نجات یافتن از مشکلات تان است. اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، می توانید خدا را بخوانید تا به شما کمک کند. با هر مشکلی که در این هفته روبرو شوید، آیا بخاطر خواهید آورد که خدا را بخوانید؟ وقتی که مشکلات می آید، به آیه حفظی مان فکر کنید. (مزمور ۵۰: ۱۵ را با هم تکرار کنید.) قبل از اینکه کار دیگری انجام دهید، در دعا با خدا صحبت کنید. به خدا اعتماد کنید تا در زمان عالی و به روش عالی خود به شما کمک کند. ممکن است او به شما نشان دهد که چه کار کنید یا شما را به سوی کسی هدایت کند که می تواند به شما کمک کند. ممکن است که او فورا برای حل مشکل تان معجزه ای انجام دهد، یا ممکن است از شما بخواهد که صبر کنید و به او اطمینان کنید. هر جوابی که خدا بدهد، شما می توانید او را بخاطر خوبی اش نسبت به شما جلال دهید و ستایش کنید.
برگه که با خود به خانه می برید، می گوید: "من می توانم خدا را بخوانم، تا به من کمک کند، تا ..... " سپس ابر سیاهی روی کاغذ نقاشی کنید که خط هایی در آن وجود دارد. می توانید روی این خطوط چیزهایی را بنویسید که شما را نگران می کند. این هفته هر روز، درباره مشکل تان با خدا صحبت کنید، به او اعتماد کنید که به شما کمک می کند. وقتی خدا به دعاهای شما پاسخ می دهد، شاید مایل باشید که آن را با ما در میان بگذارید، تا باهمدیگر از خدا تشکر کنیم.

دعوت

(تصویر 7 - 3 از کتاب تصاویر)



با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر تر یافته اید از بچه ها دعوت کنید که عیسی مسیح خداوند را قبول کنند.
برای آموزش های بیشتر به " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد "، مراجعه کنید.

وعده خدا برای کمک و پاسخ به دعا، تنها برای کسانی است که به عیسی خداوند ایمان آورده اند تا نجات یابند. اگر شما تا به حال عیسی خداوند را نخوانده اید تا از گناهان تان نجات یابید، می توانید امروز این کار را انجام دهید. کتاب مقدس می فرماید: " زیرا هرکه نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت. (رومیان ۱۰: ۱۳) خواندن خداوند یعنی اینکه اعتراف کنید که گناه کرده اید. همچنین شما باید ایمان بیاورید – با تمامی دل و وجودتان به تنها راهی که گناهان تان می توانست توسط آن بخشیده شود، اعتماد کنید و این راه این است که عیسی خداوند برروی صلیب مرد . آنوقت می توانید عیسی خداوند را بخوانید. از او بخواهید که گناهان تان را ببخشد و شما را از مجازات گناه نجات دهد. آیا عیسی را خواهید خواند و نجات خواهید یافت؟

لطفا سرهای تان را خم کنید و چشم های تان را ببندید، اگر مایلید که عیسی خداوند را بخوانید تا از گناهان تان نجات یابید، لطفا با بلند کردن دست تان به من نشان دهید. (مکث کنید و متوجه جوابها شوید.) اگر شما دست تان را بلند کردید، لطفا مرا (در مکان و زمان مشخص) ملاقات کنید تا بتوانم از روی کلام خدا به شما نشان دهم که چطور می توانید نجات یابید.

بازی مروری
" آیه ای را بردارید"
چند تا از آیات و آدرس های آنها را جداگانه بر روی برگه هایی بنویسید و آنها را درون کیسه ای قرار دهید. کلاس را به دو دسته تقسیم کنید. وقتی که بچه ای سوالی را به درستی پاسخ می دهد، اجازه دهید که آیه را از کیسه بیرون بیاورد و آن را با صدای بلند بخواند. بعد تیم او جمع شماره های آدرس آیه را به عنوان امتیاز دریافت می کند. (به عنوان مثال امتیاز ارمیا ۳۳: ۳، می شود: ۶۳= ۳۳ + ۳)
در پایان تیمی که بیشترین امتیاز را کسب کند، برنده خواهد بود.

سوالات مروری

۱. وقتی که مردخای از قانون جدید مطلع شد، چه کرد؟ (پلاس و خاکستر پوشید و با صدای بلند فریاد زد.)
۲. استر چطور فهمید که مردخای دچار مشکل شده است؟ (او خدمتکاری را فرستاد تا با مردخای صحبت کند.)
۳. مردخای از استر خواست که برای کمک به نجات قوم چه کار کند؟ (به نزد پادشاه برود و از او خواهش کند که قومش را نجات دهد.)
٤. چرا انجام این کار می توانست برای استر خطرناک باشد؟ (پادشاه استر را نخوانده بود و اگر کسی بدون دعوت به نزد پادشاه می رفت، ممکن بود کشته شود.)
۵. وقتی که در زندگی تان دچار گرفتاری می شوید چه آیه ای به شما می گوید که باید چه کار کنید؟ (مزمور ۵۰: ۱۵ "پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و تو مرا تمجید نمایی.")
۶. مردخای به استر گفت که اگر استر به نزد پادشاه نرود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ (زندگی استر نجات نخواهد یافت، هر چند که ملکه بود.)
۷. خواندن نام خداوند برای نجات یافتن به چه معنا است؟ (به خدا اعتراف کنید که گناهکارید، اعتماد کنید که عیسی برای گناه شما روی صلیب مرد و او را بخوانید تا شما را از مجازات گناه نجات دهد.)
۸. وقتی استر از یهودیان خواست که برای او روزه بگیرند، این درخواست به چه معنا بود؟ (چیزی نخورند و ننوشند، و احتمالا برای او دعا کنند.)
۹. فکر می کنید که چرا استر خواست که یهودیان برای او دعا کنند؟ (او نیاز داشت که خدا به او کمک کند تا جرات بیابد و به نزد پادشاه برود و پادشاه به او اجازه صحبت بدهد.)
۱۰. مشکلاتی که پسرها و دخترها ممکن است برای رفع آنها به دعا نیاز داشته باشند، را ذکر کنید؟ (دوستان بیمار، شغل برای والدین و غیره.)

۱۱. استر گفت که او برای قومش چه کاری انجام خواهد داد؟ (به نزد پادشاه خواهد رفت و از او برای حفظ جان های شان خواهش خواهد کرد.)

۲۱. فکر می کنید وقتی که خدا در رفع مشکلی به شما کمک می کند، شما بایستی چه کاری انجام دهید؟ (از خدا تشکر کنید و به دیگران بگویید که چطور خدا به دعای تان پاسخ داد.)

درس ٤
دشمن مغرور مردخای، فروتن می شود

متن کتاب مقدس	استر ۵: ۱- ۶: ١٤
آیه حفظی	یعقوب٤: ۶ ".... خدا متکبران را مخالفت می کند، اما فروتنان را فیض می بخشد."
هدف تعلیم	بچه نجات یافته تشخیص خواهد داد که خدا ازغرور متنفر است و به فروتن بودن اودر زندگی، احترام می گذارد.
تعلیم اصلی	خدا از شما می خواهد که فروتن باشید.
تاکید برای نجات نیافتگان	به عیسی خداوند ایمان بیاورید و زندگی جاودانی بیابید.
کمک های تصویری	تصاویر**4-1 – 4-7**

خطوط اصلی داستان

۱. **مقدمه**

امروز روزی بود که استر بایستی به نزد پادشاه می فت.

۲. **پیشرفت وقایع**

الف. استر به محوطه داخلی مخصوص وارد شد تا پادشاه را ببیند. (۵: ۱)

ب. پادشاه عصای سلطنتی خود را دراز کرد و به استر قول داد که تقاضایش را انجام دهد. (۵: ۲- ۳)

پ. استر از پادشاه و هامان دعوت کرد تا به یک مهمانی بیایند. (۵: ٤)

ت. پادشاه و هامان به مهمانی رفتند و فردای آن روز به یک مهمانی دیگر دعوت شدند. (۵: ۵- ۸)

ث. هامان از موفقیت خویش هیجان زده شده بود، اما از بی احترامی مردخای نیز بسیار خشمگین بود. (۵: ۹)

ج. هامان نزد همسر و دوستانش به ثروت، خانواده و مقام بالای خود افتخار نمود و از طرفی خشم و عصبانیت خود نسبت به مردخای را نیز ابراز کرد. (۵: ۱۰- ۱۳)

چ همسر و دوستانش پیشنهاد کردند که چوبه داری بسازد و مردخای را بر آن اعدام کند. هامان نیز با این پیشنهاد موافقت کرد. (۵: ١٤)

ح. پادشاه نمی توانست بخوابد، پس دستور داد که کتاب های ثبت وقایع را برایش بخوانند. آنوقت متوجه شد که مردخای هرگز به خاطر نجات جان پادشاه، پاداشی دریافت نکرده بود. (۶: ۱- ۳)

خ. پادشاه از هامان پرسید که برای مردی که پادشاه می خواهد به او احترام بگذارد، چه کاری باید انجام شود. (۶: ٤- ۶)

د. هامان فکر کرد که خودش همان کسی است که پادشاه می خواهد به او احترام بگذارد، پس پیشنهاد کرد که پادشاه باید دستور دهد که به آن مرد لباس سلطنتی پوشانیده شده و بر یک اسب سلطنتی سوار گردد و در خیابان های شهر اسکورت شده و با صدای بلند افتخار او اعلام شود. (۶: ۷- ۹)

ذ. پادشاه به هامان گفت که فوراً برود و مردخای را محترم دارد. (۶: ۱۰)

۳. **نقطه اوج داستان**

هامان متکبرو مغرور، وقتی که دشمن خود را در میان شهر بدرقه نموده و افتخارش را فریاد می زد**!** یکباره متواضع و فروتن شد. (۶: ۱۱)

۴. **نتیجه**

الف. مردخای به دروازه پادشاه برگشت، اما هامان با اندوه بسیار به خانه بازگشت. (۶: ۱۲)

ب. همسر و دوستان هامان به او هشدار دادند که نمی تواند بر علیه یهودیان بایستد. (۶: ۱۳)

پ. خدمتکاران پادشاه برای همراهی هامان، به مهمانی دوم ملکه آمدند. (۶: ١٤)

تلاش(بچه نجات یافته): خدا می خواهد که فروتن شوید. (یعقوب٤: ۶)

دعوت(بچه نجات نیافته): به عیسی خداوند ایمان بیاورید و زندگی جاودانی بیابید. (یوحنا۳: ۱۶)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: یعقوب ٤:۶

"خدا متکبران را مخالفت می کند اما فروتنان را فیض می بخشد."

مقدمه:

ایا شما کسی را می شناسید که همیشه درباره خودش با غرور صحبت می کند؟ آیا شما دوست دارید با کسانی که فقط به خودشان فکر می کنند و برای دیگران اهمیتی قائل

نمی شوند، وقت بگذرانید؟ (اجازه دهید بچه ها اظهار نظر کنند) کلام خدا به ما می گوید که خدا چطور درباره کسانی که مغرور و خودخواه هستند فکر می کند.

معرفی:

(توضیح دهید که آیه کاملا درست است، چون کلام خدا است. به آنها نشان دهید که چطور آیه را پیدا کنند، آنوقت آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید. اجازه دهید که بچه ها آیه را از روی آیه نمایشی با شما بخوانند.)

توضیح:

خدا متکبران را مخالفت می کند – خدا مخالف کسانی است که فکر می کنند بهتر از دیگران هستند.
اما فروتنان را فیض می بخشد – فیض به این معنا است که خدا به ما چیزی می دهد که ما شایسته آن نیستیم. خدا به کسانی مهربانی نشان می دهد که به دیگران احترام می گذارند و آنها را بر خود مقدم می دارند.

کاربرد:

نجات یافتگان: با اینکه عیسی خدا است، اما او خود را فروتن ساخت و آسمان را ترک کرد و برروی زمین آمد تا برای شما بمیرد. اگر عیسی را به عنوان نجات دهنده تان پذیرفته اید، خدا می خواهد که شما فروتن شوید. اگر عیسی ، خدای پسر توانست دیگران را مقدم بر خود قرار دهد، شما نیز باید همین کار را انجام دهید. خدا فروتنی شما را محترم خواهد داشت.
نجات نیافتگان: قدم اول برای فروتن شدن درک این نکته است که به عیسی نیاز دارید. اگر شما به عیسی به عنوان تنها کسی که برای گناه شما مرد و دوباره زنده شد، ایمان نیاورده اید؛ می توانید تصمیم بگیرید که در پایان درس کتاب مقدسی امروزمان این کار را انجام دهید.

تکرار: آیه را آهسته تر بگویید.
(آیه را با همدیگر بخوانید. مرجع آیه را نیز در آغاز و پایان آیه ذکر کنید. آیه را دوباره تکرار کنید، ولی دو کلمه آخر آیه و مرجع پایانی را زمزمه کنید. آیه را دوباره تکرار کنید، ولی این بار چهار کلمه آخر را زمزمه کنید. به همین شکل ادامه دهید تا وقتی که کل آیه را با صدای آهسته زمزمه کنید. بعداز این که کل آیه را زمزمه کردید، یکبار دیگر آیه را تا آنجا که ممکن است با صدای خیلی آهسته قرائت کنید.)

درس
مقدمه

ملکه صبح زود بیدار شد. او با خود اندیشید: امروز روز موعود است! تا پایان امروز یا توسط پادشاه پذیرفته خواهم شد یا اینکه جانم گرفته خواهد شد! برای سه روز، استر و تمامی یهودیان دیگر که در شوشان زندگی می کردند، روزه گرفته بودند؛ یعنی هیچ چیزی نخوردند و ننوشیدند. امروز روزه آنها تمام می شد و استر زندگی اش را به خطر می انداخت تا به نزد پادشاه خشایارشاه برود. آیا پادشاه عصای طلایی سلطنتی را به سوی او دراز می کرد، یا اینکه زندگی استر به پایان می رسید؟

پیشرفت وقایع

بچه ها از دوباره گویی داستان تا به اینجا لذت خواهند برد. بچه ها نیاز دارند که آموخته های شان را به زبان آورند.

استر لباس سلطنتی اش را با دقت پوشید. همانطور که داخل قصر به سوی محوطه داخلی اطاق پادشاه قدم می زد، می بایستی درباره اتفاقات گذشته که به وضعیت موجود منتهی شده بود، اندیشیده باشد. (اجازه دهید تا بچه ها اتفاقات درسهای گذشته را بیاد بیاورند.)

(تصویر 1 - 4 از کتاب تصاویر)

بچه های پیش دبستانی می توانند وانمود کنند که مانند استر نفس عمیقی می کشند.

احتمالا استر وقتی که به درهای بزرگ محوطه داخلی رسید، توقف کرد ونفس عمیقی کشید تا اعصابش هماهنگ و آرام شود. بعد به آرامی داخل شد. پادشاه روی تختش نشسته بود و صورتش به سوی در ورودی بود. احتمالا در آنجا نگهبانان مسلح و خدمتکاران دیگری بودند که به آهستگی به این طرف و آنطرف حرکت می کردند. وقتی آنها ملکه استر را در حال وارد شدن دیدند، می بایست متوقف شده و به او خیره شده باشند. آنها می دانستند که استر بوسیله پادشاه خوانده نشده بود. ملکه استر در مقابل پادشاه تعظیم کرد، ولی جرات نکرد که به چشم های او نگاه کند. در حالیکه استرمنتظر جواب پادشاه بود، قلبش می بایست به شدت تپیده باشد. آنگاه پادشاه عصای سلطنتی را بلند کرد و به سوی ملکه دراز کرد. همگی می باید نفس راحتی کشیده باشند، چون پادشاه از استر خشنود بود و به او خوش آمد گفت.

وانمود کنید که به سوی پادشاه می روید و در مقابلش تعظیم می کنید.

استر انگشتان لرزانش را بلند کرد و سر عصای سلطنتی را لمس کرد.

پیشنهاد پادشاه درباره " نیمی از پادشاهی اش " یک استعاره بود و احتمالا به مفهوم تحت اللفظی آن نبود. این عبارت نشان از اهمیت ملکه می داد.

(تصویر 2 - 4 از کتاب تصاویر)

بچه های پیش دبستانی از اینکه وانمود نمایند که در حال خوردن غذاهای " مهمانی" هستند، لذت خواهند برد. این تجربه به همه بچه ها در به خاطر سپاری داستان کمک می کند.

خشایارشاه می باید از خود سوال کرده باشد که چه چیزی می توانست اینقدر مهم باشد که ملکه جانش را به خطر بیاندازد. او سوال کرد: " چه می خواهی، ملکه استر؟ هر آنچه که بخواهی به تو خواهم داد؟ " استر پاسخ داد: " اگر پادشاه خشنود می شوند، مایلم که شما و هامان به مهمانی که امروز تدارک دیده ام بیایید." ممکن است پادشاه بخاطر جواب استر متعجب شده بود، ولی فورا هامان را به درگاه فرا خواند و هر دو به مهمانی استر رفتند. وقتی که آنها غذا و شراب شان را میل کردند، پادشاه خواست که دلیل واقعی آمدن استر را بداند. پادشاه به استر گفت: " به من

بگو که چه می خواهی؟ هر آنچه که بخواهی به تو خواهم داد! " استر پاسخ داد: " به مهمانی دیگری که فردا برای شما تدارک خواهم دید، بیایید. آنوقت تقاضایم را به شما خواهم گفت."
وقتی پادشاه به اطاق سلطنتی برگشت بایستی بسیار گیج شده باشد.

(تصویر 3 - 4 از کتاب تصاویر)

هامان بسیار شاد شده بود! او به سختی می توانست باور کند که از بین تمام مشاوران پادشاه، فقط او دعوت شده بود که با پادشاه و ملکه نهار بخورد و حالا نیز دعوت شده بود که فردا به مهمانی دیگری برود! او نمی توانست صبر کند تا به خانه برسد و نزد خانواده و دوستانش به خود ببالد! او می بایست با خود فکر کرده باشد که آنروز چه روزی بود!.
هیچ چیز نمی توانست این روز عالی را خراب کند! وقتی که قصر را ترک کرد و به دروازه پادشاه نزدیک شد، خدمتکاران ایستادند و تعظیم کردند، اما مردخای نایستاد و تعظیم نکرد. وقتی هامان مردخای را دید، فورا خوشی اش تبدیل به عصبانیت شد. هامان احتمالا با خود اندیشید: "چطور این یهودی جرات می کند که به من درست احترام نگذارد! نمی توانم تا آن روزی که او و یهودیان نابود می شوند، صبر کنم!"
هامان پر از غرور بود. او خودش را بسیار مهم می دانست و غرور همه افکار، احساسات و رفتارش را کنترل می کرد.

آیا تا بحال اجازه داده اید که غرور بر شما مسلط شود؟ شاید گاهی فکر می کنید که بسیار مهم هستید. یک طرز تفکر مغرورانه بر چگونگی صحبت کردن و رفتار شما با دیگران تاثیر می گذارد. شاید به خاطر نمرات خوب خود یا چیزهایی که دارید به خود می بالید. شاید رهبر یک گروه شده اید. مثلا کاپیتان تیم ورزشی، مبصر کلاس یا مدیر باشگاه تان شده اید. این طبیعی است که وقتی دیگران درباره شما فکرهای خوب می کنند و به شما به عنوان رهبرشان اعتماد می کنند، احساس رضایت بکنید. اما باید مواظب باشید که مغرور نشوید. چیزهایی که یک رهبر مغرور و خودخواه ممکن است انجام دهد را ذکر کنید؟ (با دیگران مثل یک رئیس رفتار کند، از دیگران توقع رفتار بخصوصی را داشته باشد، نسبت به دیگران با بی ادبی رفتار کند.) درنهایت طرز تفکر مغرورانه شما ممکن است باعث شود که کارهایی انجام دهید یا چیزی بگویید که دیگران از شما رنجیده شوند.
خدا می فرماید: "و غرور متکبران را تباه خواهم ساخت و تکبر جباران را به زیر خواهم انداخت" (اشعیا۱۳: ۱۱). خدا مخالف کسانی است که مغرور و متکبر هستند. او می خواهد که شما فروتن باشید. این بدین معنی است که او می خواهد شما خودتان را آنطور ببینید که او شما را می بیند (نقاط قوت و ضعف تان) و به ارزش دیگران احترام بگذارید و از آن قدردانی کنید. اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، خدا می خواهد که فروتن باشید. او غرورتان را بدون مجازات نخواهد گذاشت – مخصوصا اگر غرورتان شما را کنترل بنماید.

شاید استر احساس می کرد که زمان برای انجام در خواستش هنوز مناسب نشده است؛ یا شاید این تاخیر، منعکس کننده روش متعارف مردم مشرق زمین در برخورد با یک امر بسیار مهم می باشد.



اجازه دهید که بچه ها عقایدشان را درباره اینکه چطور غرور می تواند اعمال شان را تحت تاثیر قرار دهد، بیانس کنند.

کارت تعلیمی
کارت با تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته را نشان دهید: خدا می خواهد که شما فروتن باشید.

هامان پر از غرور بود و غرور، همه افکار، احساسات و رفتارش را کنترل می کرد. خوشی او جایش را به عصبانیت نسبت به مردخای داده بود. او به سختی می توانست تا زمان نابودی تمام یهودیان صبر کند!

(تصویر 4 - 4 از کتاب تصاویر)

وقتی هامان به خانه رسید، همسرش "زرش" و دوستانش را صدا کرد تا جمع شوند. او به ثروت عظیم، خانواده پرجمعیت (او ۱۰ پسر داشت) و سمت عالی اش در دربار پادشاه افتخارمی کرد، اما مهمترین خبر را برای آخر نگه داشت. هامان درباره آن روز مخصوص، به آنها گفت: "من، فقط من، به ضیافت ملکه و پادشاه دعوت شدم!" او با تکبر ادامه داد: "و فردا نیز به مهمانی دیگری با آنها دعوت شده ام!" احتمالا همسر و دوستانش با شنیدن این اخبار تحت تاثیر قرار گرفته بودند، اما بعد لبخند مغرورانه از روی صورت هامان محو شد. او اخم هایش را درهم کرد و با عصبانیت گفت: اما تمام اینها تا وقتی که مردخای را می بینم که بر دروازه پادشاه نشسته است، هیچ است!

زرش و دوستانش یک راه حل شیطانی برا ی مشکل هامان در نظر داشتند. آنها گفتند: "تو باید یک چوبه دار به بلندی ۲۵ متر بسازی. فردا صبح به پادشاه پیشنهاد کن که مردخای بر آن چوبه دار اعدام شود. آنوقت می توانی با شادی تمام به آن مهمانی بروی."

هامان از مردخای متنفر بود و کتاب مقدس می فرماید که ا و از این نقشه جنایتکارانه خشنود بود. گناه باعث می شود که مردم کارهای بسیار بدی انجام دهند – بعضی اوقات تنفر آنقدر زیاد می شود که ممکن است به کشتن کسی منجر شود!

آیا تا به حال از کسی متنفر بوده اید، یا شاید حتی به راه هایی اندیشیده اید که به آن شخص ضربه بزنید؟ خدا می گوید که حتی افکار ناشی از تنفر، گناه است. همه با این خواست به دنیا می آیند که گناه کنند، یعنی حکم خدا را بشکنند. کتاب مقدس می فرماید: "همه گناه کرده اند" (رومیان ۳: ۲۳). برای مثال وقتی شما می گویید: "از تو متنفرم"، یا راه هایی را برای انتقام گرفتن از کسی طراحی می کنید، گناه می کنید. گناه شما، شما را از خدا جدا می کند. خدا مقدس و مبرا از همه گناهان است. خدا می گوید که گناه تان شما را در یک مکان تاریک مجازات برای همیشه از او جدا می سازد.

اما چون خدا شما را دوست دارد، راهی را برای بخشیده شدن گناه تان فراهم ساخت. او پسرش، عیسی خداوند را به زمین فرستاد تا مانند یک نوزاد به دنیا آید. مطابق نقشه خدا، عیسی یک زندگی کامل و بدون گناه را زندگی کرد و بهای گناهان تان را با ریختن خونش و مردن برروی صلیب پرداخت.

کتاب مقدس می فرماید: " بدون ریختن خون، هیچ گناهی بخشیده نمی شود(عبرانیان ۹: ۲۲). بهایی را که عیسی برای گناهان تان پرداخت تنها چیزی بود که خدا می پذیرفت. عیسی مرد و دفن شد، سپس دوباره زنده شد و برای همیشه زنده است. شما می توانید با او زندگی ابدی داشته باشید، البته اگر از گناهان تان توبه کنید و به او و کاری که او بر

اجازه دهید که بچه های پیش دیستانی چهره ای عصبانی به خود بگیرند.

ارتفاع زیاد چوبه دار باعث می شد، که همه آن را ببینند و این درس عبرتی از نتیجه بی احترامی مردخای به هامان، برای همه مردم می شد.
این مساله گواه دیگری بر طبیعت متکبر هامان بود.

از آنجا که این درس بر رشد مسیحی متمرکز است، پیام نجات در آن خلاصه شده است. شما می توانید در زمان دیگری از ساعت درس بر معرفی انجیل تاکید کنید.

روی صلیب برای شما انجام داد، ایمان بیاورید (کاملا اطمینان کنید.) آنوقت او زندگی تان را کاملا تغییر خواهد داد. شما دیگر توسط گناه که باعث می شود کارهای بسیار بدی انحام دهید، کنترل نخواهید شد.

گناه باعث شد که هامان کار وحشتناکی انجام دهد. او از مردخای بسیار متنفر بود، پس نقشه قتل او را کشید! هامان فورا خدمتکارانش را برای ساختن چوبه دار به کار گماشت.
آن شب پادشاه خشایارشاه نمی توانست بخوابد. او خدمتکاری را فرا خواند تا کتاب ثبت وقایع مهم دوره سلطنت پادشاه را بیاورد. خدمتکار کتاب را آورد و قسمتی از آن را با صدای بلند خواند. این قسمت کتاب درباره مردخای بود که با فاش کردن توطئه ای برعلیه پادشاه، جان پادشاه را نجات داده بود. بدون شک خدا فکر خواندن کتاب ثبت وقایع را در ذهن پادشاه گذاشت. پادشاه از خدمتکار پرسید چه کاری برای پاداش دادن به مردخای که جان پادشاه را نجات داده بود، انجام شد. اما خدمتکار گفت که هیچ پاداشی داده نشد.

(تصویر 5 - 4 از کتاب تصاویر)

شاید پادشاه صدای کسی را در محوطه بیرونی شنید. پادشاه پرسید: "چه کسی آنجا است؟" او هامان بود، همان کسی که آمده بود تا اجازه اعدام مردخای را بگیرد!
قبل از اینکه هامان درخواستش را عنوان کند، پادشاه خشایارشاه از او پرسید: "هامان، فکر می کنی که برای کسی که پادشاه می خواهد او را محترم دارد، چه کاری باید انجام شود؟" هامان خیلی خوشحال شد. او مغرورانه با خود اندیشید: پادشاه چه کسی را غیر از من می خواهد محترم بدارد؟
هامان برای احترام و افتخار بیشتر، حریصانه آنچه را که فکر می کرد باید انجام داده شود، با دقت توضیح داد: "اجازه دهید تا یکی از لباس های سلطنتی و اسب پادشاه را بیاورند. لباس را به یکی از سران برجسته پادشاه بدهید و بگذارید که او لباس را به تن آن مرد بپوشاند. شخص برجسته باید آن مرد را که بر اسب سلطنتی نشسته است، در خیابان های شهر هدایت کند و با صدای بلند فریاد بزند: این کار برای مردی انجام داده شده است که پادشاه می خواهد او را محترم بدارد!" احتمالا وقتی که هامان خودش را برروی اسب پادشاه تصور کرد که مغرورانه نشسته و در خیابان های شهر می گردد و مردم با تعظیم و ادای احترام، او را ستایش می کنند، لبخند زد. پادشاه سرش را به علامت موافقت تکان داد و گفت: "بله. عجله کن، لباس و اسب مرا بردار و همه این چیزها را برای مردخای، همان یهودی که بر دروازه پادشاه نشسته است انجام بده!"
همانطور که هامان در سکوت ناشی از شوک ایستاده بود، لبخند از روی صورتش محو شد. هامان می بایستی اندیشیده باشد: آیا پادشاه گفت که این کارها برای مردخای بشود؟ نه! نمی تواند حقیقت داشته باشد! پادشاه نمی تواند از من بخواهد که این کار را برای دشمن خودم انجام دهم!

چه تغییرات غیرمنتظره ای در جریان بود! مردی را که هامان نقشه

تا آن موقع کتاب های ثبت وقایع، مدت دوازده سال از سلطنت خشایارشا را نوشته بودند. جالب است که از بین تمامی این گزارشات، خادم پادشاه یکی از کتاب های ۵ سال پیش را انتخاب کرد و داستان مردخای را برای پادشاه خواند. عمل مراقبت و فراهم سازی خدا در این موقعیت ها کاملاً آشکار است!

اگر در درس دوم از بچه ای خواستید که نام مردخای را در دفترچه ای بنویسد، دفترچه را بیاورید و اجازه دهید که یکی از بچه ها آن را باز کرده، نام مردخای را بخواند.

اجرای نمایشی مکالمه هامان و پادشاه و وظیفه شرم آور هامان، می بایستی برای بچه ها لذت بخش باشد. بچه های پر جنب و جوش کلاس شما به نحو خاصی به چنین مشارکت هایی نیاز دارند.

قتلش را طرح کرده بود، حالا می باید به عنوان یک قهرمان در خیابان های شهر مورد تکریم قرار بگیرد. هامان در برابر تمام مردم شهر خجالت زده می شد! غرور احمقانه هامان در حال تباه کردن زندگی اش بود.

غرور احمقانه می تواند زندگی شما را نیز تباه کند، اگر اجازه دهید که غرورتان شما را کنترل کند. غرور می تواند رابطه شما با دیگران را به هم بزند. اگر شما متکبر باشید و دوست داشته باشید که با دیگران مانند یک رئیس رفتار کنید، دیگران به شما احترام نخواهند گذاشت. آنها به شما اعتماد نخواهند کرد، یا از اطراف شما دور خواهند شد. خیلی زود دیگر کسی نخواهد خواست که شما رهبرشان باشید. اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، غرور به شکل ویژه ای خطرناک است. اگر زندگی شما پر از غرور باشد، هیچ کس نخواهد خواست که به شما گوش دهد تا با او درباره عیسی خداوند صحبت کنید. خدا می خواهد بجای اینکه شما متکبر و خودستا باشید، فروتن باشید. آیه حفظی ما امروز می گوید: (یعقوب ٤:٦ را تکرار کنید). خدا مخالف کسانی است که متکبر هستند، ولی به کسانی کمک می کند یا کسانی را محترم می دارد که فروتن هستند. وقتی که شما با یک طرز تفکر صادقانه و فروتنانه با دیگران رفتار میکنید، می توانید مطمئن باشید که خدا فروتنی شما را محترم می شمارد. وقتی که وسوسه می شوید تا متکبر و خودستا باشید، بیاد بیاورید که خدا استعدادها و توانایی های تان را به شما عطا کرده است. از خدا به خاطر کمکش تشکر کنید و او را ستایش کنید. از خدا بخواهید که به شما کمک کند تا در رفتارتان با دیگران او را خشنود کنید. او می تواند به شما کمک کند که با دیگران طوری رفتار کنید که دوست دارید با شما همانطور رفتار شود. همچنین از خدا به خاطر استعدادها و قابلیت هایی که به دیگران داده است، قدردانی کنید. همیشه فروتن بودن آسان نیست، اما خدا بخاطر فروتن بودن تان به شما پاداش خواهد داد. اجازه ندهید که غرور، شما را کنترل کرده و زندگی تان را نابود کند.



به بچه ها کمک کنید که متوجه خطر تکبر شوند و همچنین اینکه خدا فروتنان را سرافراز می سازد.

کارت تعلیم

کارت تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته را نشان دهید.

غرور احمقانه هامان در حال تباه کردن زندگی اش بود و حالا می بایست از شرمندگی در برابرتمام مردم شهر رنج ببرد.

(تصویر 6 - 4 از کتاب تصاویر)

چند ساعت بعدی باید برای هامان مثل یک کابوس بوده باشد. او لباس های سلطنتی را به مردخای متعجب پوشانید، او را بر روی اسب پادشاه نشاند و از میان دروازه پادشاه به طرف خیابان های شهر هدایت کرد. جمعیت زیادی جمع شدند تا این منظره عجیب را تماشا کنند. وقتی که هامان، مردخای را که برروی اسب نشسته بود، هدایت می کرد و فریاد می زد: "این کاری است که برای شخصی که پادشاه می خواهد او را محترم بدارد، انجام می شود." بایستی تعدادی از مردم به هامان خندیده باشند.

نقطه اوج داستان

اکنون هامان متکبر و خودستا، وقتی که دشمنش را در میان شهر هدایت می کرد و افتخار او را اعلام می کرد، فروتن شده بود!

نتیجه

بالاخره این تجربه وحشتناک تمام شد. مردخای به محل خدمتش در دروازه پادشاه برگشت.
هامان سرش را پوشاند و با شرمندگی به سوی خانه شتافت. هامان تمامی اتفاقات وحشتناک آن روز را برای همسر و دوستانش تعریف کرد. آنها گفتند: "اگر مردخای یک یهودی است، آنوقت تو هیچ قدرتی بر علیه او نخواهی داشت. وقتی که با او روبرو می شوی، مغلوب خواهی شد." اما این کلمات آرامش زیادی به او نمی داد. هامان نمی توانست بر علیه قوم خدا، یهودیان پیروز شود. هامان فکر کرده بود که خودش وضعیت را تحت کنترل دارد، ولی در حقیقت خدا همه چیز را کنترل می کرد!
خدا با آینده نگری اش موجب شد که اتفاقات آن روز در زمان مناسب و به روش عالی خودش اتفاق بیافتد.

کارت با تعریف مراقبت و فراهم سازی خدا را نشان دهید.

وقتی که هامان و همسرش در حال صحبت کردن بودند، کسی در را کوبید. خدمتکاران پادشاه آمده بودند تا هامان را برای مهمانی دوم ملکه استر تا قصر همراهی کنند. احتمالا هامان حوصله یک جشن با حضور یک زوج سلطنتی را نداشت، اما از آنجا که نمی توانست دعوت ملکه را رد کند، با آنها به جشن رفت.
این روز خراب شده بود – دیگر نمی تواند از این بدتر شود! این حداقل چیزی است که هامان ممکن است با خود اندیشیده بود. او هیچ خبر نداشت که خدا چه چیز دیگری برای او در نظر دارد! هامان تنها می توانست دو علت را برای یک چنین روز سختی مقصربداند. اول خودش و بعد غرور احمقانه ای که به آن اجازه داده بود تا رفتارش راکنترل کند!

تلاش



کارت تعلیم
کارت تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته را نشان دهید.

اجازه ندهید که غرور احمقانه، زندگی شما را کنترل کند! اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، بخاطر بیاورید که خدا به فروتنی شما احترام می گذارد. وقتی که وسوسه می شوید که مغرور و خودخواه شوید، به آیه حفظی ما فکر کنید (یعقوب ٤:٦ را با هم تکرار کنید.) اگر خدا اجازه بدهد که شما رهبر یک گروه بشوید، آیا از او می خواهید که به شما کمک کند تا با کسانی که تحت رهبری شما هستند، فروتن و مهربان بوده و یاور آنها باشید؟
همچنین از او بخواهید که به شما کمک کند تا بخاطر قابلیت ها و استعدادهایی که به دیگر مردم داده است، از او قدردانی کنید. خدا می تواند به شما کمک کند که طرز فکر مغرورانه خود را تغییر دهید.
برگه شما امروز دارای سه خط می باشد. اسم سه نفر از کسانی را که شما می شناسید، روی آن بنویسید. (خانواده، دوستان، معلمین و غیره) در مورد یک موضوع برای هر یک از این افراد قدردانی کنید. برای وجود آنها خدا را شکر کنید و برای آنها دعا کنید. همچنین ممکن است

کارت های " خانگی" تهیه کنید که حاوی تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته و سه خط بر روی آن باشد. این مساله به بچه ها کمک می کند تا بر طرز تفکر متکبرانه نسبت به دیگران غلبه کنند.

بخواهید که برای هر کدام از آنها یک یادداشت کوتاه بنویسید، که به آنها نشان دهد که شما چقدر از آنها قدردانی می کنید. دعا کردن برای دیگران، از خدا تشکر کردن بخاطر دیگران و قدردانی شما از دیگران، به شما کمک خواهد کرد که بیشتر فروتن باشید.

دعوت

(تصویر 7 - 4 از کتاب تصاویر)

فروتنی حقیقی از عیسی خداوند که در شما زندگی می کند، سرچشمه می گیرد. اگر شما آماده اید که با خدا توافق کنید که گناه کرده اید و به عیسی خداوند ایمان بیاورید، یعنی به کسی که برای شما مرد و دوباره قیام کرد؛ می توانید امروز زندگی جاودانه را کسب کنید.
کتاب مقدس می فرماید: "زیرا خداوند جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد." (یوحنا ۳: ۱۶). آیا شما امروز به او ایمان می آورید و زندگی جاوید را کسب خواهید کرد؟
لطفا سرهای تان راخم کنید و چشمان تان را ببندید، اگر مایلید که به عیسی خداوند به عنوان نجات هنده تان ایمان بیاورید، آیا با نگاه کردن به من، آن را نشان می دهید؟ (مکث کنید و متوجه جوابها شوید) اگر شما به من نگاه کردید تا نشان دهید که می خواهید به عیسی خداوند ایمان بیاورید، من مایلم که شما را ملاقات کنم. (در یک مکان و زمان مشخص) آنوقت می توانم به شما از روی کلام خدا نشان دهم که چطور می توانید زندگی جاوید داشته باشید.

آیه یوحنا ۳: ۱۶ را شخصی نمایید و زمانی را اختصاص دهید تا بچه های نجات نیافته به دعوت خدا پاسخ دهند. از این روش دعوت یا روشی که موثر تر یافته اید، استفاده کنید. برای آموزش های بیشتر به " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد"، مراجعه کنید .

سوالات مروری

۱. پادشاه چه کاری کرد که به ملکه استر نشان داد که او را پذیرفته است؟ (عصای طلائی سلطنتی را به سمت استر دراز کرد.)
۲. بعداز اینکه پادشاه عصا را به سمت ملکه استر دراز کرد، ملکه چه درخواستی نمود تا پادشاه برایش انجام دهد؟ (به همراه هامان به یک مهمانی بیاید.)
۳. چرا هامان وقتیکه در پایان مهمانی، قصر را ترک می کرد، خیلی عصبانی بود؟ (زیرا مردخای به او احترام نگذاشته بود.)
٤. چه مشکلاتی می تواند ناشی از غرورتان باشد؟ (ممکن است دیگران را با آنچه می گویید یا انجام می دهید، آزرده خاطر کنید. غرور می تواند کنترل شما را به دست گیرد.)
۵. فکر می کنید که چرا هامان جلو دوستان و خانواده اش به خود می بالید؟ (او می خواست که آنها را تحت تاثیر قرار دهد و باعث شود فکر کنند که او شخص مهمی است.)
۶. چند کاری که بچه ها انجام می دهند و گناه آلود هستند را ذکر کنید؟ (آزار دیگران، تنفر از دیگران و غیره .)
۷. هامان خواست که چه کاری بر علیه مردخای انجام شود؟ (او می خواست که مردخای را روی چوبه دار۲۵س متری اعدام کند.)

۸. اگر شما به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده تان ایمان دارید، چه کاری انجام خواهید داد تا تحت کنترل غرور در نیایید؟ (آیه یعقوب ٤: ۶را بخاطر آورید، از خدا بخواهید که به شما کمک کند که فروتن شوید.)

۹. شما فکر می کنید که چرا وقتی که خشایارشاه برای خوابیدن مشکل داشت، خواست که کتاب ثبت وقایع برایش خوانده شود؟ (خدا این فکر را در ذهنش گذاشت)

۱۰. فروتن بودن به چه معنا است؟ (خودتان را همانطوری که خدا شما را می بیند، ببینید و با دیگران با احترام رفتار کنید.)

۱۱. هامان می باید برای مردخای چه می کرد؟ (لباس سلطنتی را به او می پوشاند، او را سوار بر اسب پادشاه می کرد و در خیابان های شهر او را هدایت می کرد و می گفت که این کاری است که برای شخصی که پادشاه می خواهد او را مفتخر نماید، انجام می شود.)

۱۲. چرا هامان نمی توانست در برابر قوم خدا پیروز باشد؟ زیرا خدا هر چیزی را که اتفاق می افتاد، تحت کنترل خودش داشت.)

درس ۵
استر برای نجات جان قومش التماس می کند

متن کتاب مقدس	استر ۷: ۱- ۸: ۱۷
آیه حفظی	اعمال ۱۶: ۳۱ "... به خداوند عیسی مسیح ایمان آورکه تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت."
هدف تعلیم	بچه نجات نیافته به عیسی خداوند ایمان خواهد آورد و نجات خواهد یافت.
تعلیم اصلی	به عیسی خداوند ایمان بیاورید و نجات یابید.
تاکید برای نجات یافتگان	برای دیگران، مخصوصاًکسانی که در خانواده خودتان هستند، اهمیت قائل شوید.
کمک های تصویری	تصاویر **5-1 – 5-7**

خطوط اصلی درس

۱. **مقدمه**
هامان فوراً به همراه خدمتکاران به سوی قصر حرکت کرد. او فکر می کرد که بدتر از این نمی توانست بشود- اما او نمی دانست که خدا به زودی چه کاری انجام می دهد!

۲. **پیشرفت وقایع**

♥ الف. هامان و پادشاه به مهمانی دوم رفتند. در آن جا پادشاه درباره درخواست استر سوال کرد، استر با احترام برای نجات زندگی خود و قومش از پادشاه در خواست کرد. (۷: ۱- ٤)

ب. وقتی پادشاه پرسید که چه کسی جرات کرد که چنین کاری انجام دهد، استر به هامان به عنوان دشمن شریر اشاره کرد. این عمل استر ترس زیادی در دل هامان ایجاد کرد. (۷: ۵- ۶)

پ. پادشاه با عصبانیت بلند شد و از اطاق بیرون رفت؛ در حالیکه هامان در برابر تخت ملکه ایستاد تا برای زندگی خودش طلب بخشش کند. (۷: ۷)

ت.	پادشاه برگشت و وقتی که دید هامان به ملکه " توهین می کند"، خیلی بیشتر عصبانی شد. (۷: ۸)

ث.	یکی از خدمتکاران درباره چوبه داری که هامان برای مردخای ساخته بود، به پادشاه گزارش داد. پس پادشاه دستور داد که هامان را بر روی چوبه دار خودش اعدام کنند. (۷: ۹- ۱۰)

ج.	پادشاه اموال هامان را به استر داد و ملکه رابطه خویشاوندی خود را با مردخای برای پادشاه فاش کرد.(۸: ۱)

چ.	پادشاه مردخای را به مقام دوم اجرایی تمام پادشاهی منصوب کرد و استر نیز او را مسئول اموال هامان ساخت. (۸: ۲)

ح.	استر به پاهای پادشاه افتاد و گریست و به پادشاه التماس کرد تا توطئه هامان بر علیه قوم یهود را متوقف کند. (۸: ۳)

خ.	پادشاه عصای طلایی سلطنتی خویش را بلند کرد و استر درخواست کرد تا قانونی برای خنثی ساختن قانون دوم نوشته شود. (۸: ٤- ۶)

د.	پادشاه به استر و مردخای دستور داد تا برای یهودیان قانون جدیدی بنویسند. این قانون به هر صورتی که آنها فکر می کردند مناسب است، می توانست نوشته شود. (۸: ۷- ۸)

۳.	**نقطه اوج داستان**

مردخای قانون جدیدی نوشت تا قومش را از هلاکت نجات دهد. (۸: ۹- ۱۲)

۴.	**نتیجه**

الف.	قانون جدید در تمامی ۱۲۷ ایالت منتشر شد. (۸: ۱۳- ۱٤)

ب.	مردخای در حالیکه لباس های سلطنتی به تن داشت، قصر را ترک کرد. (۸: ۱۵)

پ.	شهر شوشان غرق در شادی شد و یهودیان نیز در هر ایالتی به میمنت این خبرهای خوش به جشن و سرور پرداختند. (۸: ۱۵- ۱۷)

دعوت (بچه نجات نیافته): به عیسی خداوند ایمان بیاورید و نجات یابید. (اعمال۱۶: ۳۱)

تلاش (بچه نجات یافته): برای دیگران مخصوصاً کسانی که در خانواده خودتان هستند، اهمیت قائل شوید.

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: اعمال ۶۱: ۳۱
"به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت."

مقدمه:
چند نفر از شما امروز می بایست تصمیم می گرفتید که چه چیزی برای صبحانه بخورید؟ چند نفر تصمیم گرفتند که چه لباسی بپوشند؟ اینها چند تا از تصمیماتی هستند که شما هر روز می گیرید. اما تصمیمی وجود دارد که مهمترین تصمیمی است که شما اتخاذ خواهید کرد. این تصمیم چیست؟ این تصمیم درباره پیشنهادی است که خدا به شما می دهد. شما تصمیم می گیرید که با آن پیشنهاد چه کار کنید.

معرفی:
(توضیح دهید که آیه کاملا درست است، زیرا کلام خدا می باشد. به بچه ها نشان دهید که چطور آیه را پیدا کنند، آنوقت آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید. اجازه دهید بچه ها نیز با شما آیه را از روی آیه نمایشی بخوانند.)

توضیح:
به خداوند عیسی مسیح ایمان آور – کاملا اطمینان کنید که عیسی، پسر خدا، تنها کسی است که برروی صلیب مرد تا گناهان تان را ببخشد و دوباره زنده شد.
که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت – وقتی شما اعتراف می کنید که گناه کرده ا ید و ایمان می آورید که عیسی به خاطر گناه شما مرد؛ از مجازات ابدی خدا برای گناهان تان نجات خواهید یافت.

کاربرد:
نجات نیافتگان: آیا تا به حال به عیسی ایمان آورده اید؟ اگر نه، امروز می توانید تصمیم بگیرید که به او به عنوان نجات دهنده تان اعتماد کنید.

نجات یافتگان: اگر شما قبلا به عیسی به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، آیا کسانی در خانواده شما وجود دارند که به او ایمان نیاورده اند؟ خدا می تواند از شما استفاده کند تا با گفتن این که عیسی چگونه می تواند آنها را از مجازات گناه نجات دهد، برای آنها اهمیت قائل شوید.

تکرار: گزارشگر

(کارتی را تهیه کنید که سوالات و پاسخ های ذیل روی آن نوشته شده است.
سوال: چه کار باید بکنید؟ جواب: ایمان بیاورید
سوال: به چه کسی باید ایمان بیاورید؟ جواب: به عیسی مسیح خداوند

سوال: چرا باید این کار را بکنید؟ جواب: تا شما و خانواده تان نجات یابید

سوال: در کجای کتاب مقدس این آیه وجود دارد؟ جواب: اعمال ۱۶: ۳۱

نقش یک گزارشگر را بازی کنید که از بچه های کلاس سوال می کند و آنها نیز پاسخ می دهند. به بچه ها اجازه دهید تا نقش گزارشگر را بازی کنند و بازی را ادامه دهند. چند بار از آیه نمایشی استفاده کنید. بعد بدون آن بازی را ادامه دهید.)

درس

مقدمه

هامان به همراه خدمتکاران پادشاه فورا به سوی قصر حرکت کرد. زمان مهمانی دوم استر بود. هرچند هامان از مهمانی اول بسیار لذت برده بود، ولی هیجان او برای مهمانی دوم کمتر بود. تا حالا امروز یکی از بدترین روزهای زندگی اش بود! آیا می توانید به خاطر آورید چه چیزی باعث چنین شرمندگی برای هامان شد؟ (اجازه دهید که بچه ها درس های قبلی را با هم در میان بگذارند.)! ممکن است که هامان با خود اندیشیده بود: " خوشحالم که تمام شد! نمی توانست بدتراز این شود! " اما هامان نمی دانست که خدا می خواست چه کاری انجام دهد!

بچه ها از بازگویی اتفاقات درس گذشته لذت می برند.

پیشرفت وقایع

(تصویر 1 - 5 از کتاب تصاویر)

همانطور که درمملکت فارس رسم بود، ملکه استر، پادشاه و هامان روی تخت ها نشسته بودند. آنها بر پشتی های نرم تکیه داده بودند و از انواع غذا و نوشیدنی لذت می بردند. پادشاه خشایارشاه به ملکه نگاه کرد. پادشاه می دانست چیز مهمی وجود دارد که استر می خواست از پادشاه درخواست کند. وقتی که غذا تمام شد، نهایتا پادشاه پرسید: " ملکه استر چه می خواهی؟ هر آنچه که بخواهی به تو می دهم! " ملکه برای چنین لحظه ای انتظار می کشید. او آماده پاسخ دادن بود.

بچه ها از اینکه وانمود می کنند در حال خوردن غذاهای " مهمانی " – انگور، میوه های خشک، نان ، پنیر .... هستند، لذت می برند.

(تصویر 2 - 5 از کتاب تصاویر)

ملکه فروتنانه گفت: "اگر پادشاه خشنود می شوند، اجازه بدهید زندگی من و مردمم نجات یابد. زیرا ما برای نابود شدن، کشته شدن و کاملا منقرض شدن، فروخته شده ایم. اگر ما تنها برای بردگی فروخته شده بودیم، من ساکت می ماندم. وقتی که مردم من نابود شوند، دشمن ما هرگز نمی تواند برای آنچه که پادشاه از دست می دهد بهای کافی بپردازد." قوم استر، یعنی یهودیان، توسط قانونی که هرگز نمی توانست تغییر یابد محکوم به مرگ شده بودند. آنها نمی توانستند به تنهایی چنین مشکل وحشتناکی را حل کنند.

شاید منظور استر این بود که پولی که هامان قول داده بود به خزانه پادشاه بپردازد، جبران آن مقداری که با نابود کردن یهودیان از دست داده می شد را نمی کرد. مهارت و استعداد یهودیان برای پادشاهی بسیار ارزشمند بود.

شما مشکلی دارید که خودتان قادر به حل آن نیستید، این مشکل حتی از مرگ جسمانی بدتر است. شما بخاطر گناه با محکومیت به مرگ روحانی به دنیا آمدید – مرگ روحانی، جدایی ابدی از خدا در یک مکان مجازات است. کتاب مقدس می فرماید: "کسی عادل نیست، یکی هم نی" (رومیان ۳: ۱۰). این بدان معنی است که هیچکس مثل خدا کامل (بدون گناه) نیست. هیچکس همیشه کارهای درست انجام نمی دهد، بلکه گناه نیز می کند. وقتی که شما با گفتن، فکر کردن یا انجام دادن چیزی، شریعت خدا را می شکنید؛ گناه می کنید. شاید بعضی وقت ها آرزو می کنید که اتفاق بدی برای کسی که او را دوست ندارید، رخ بدهد، یا حرف های آزار دهنده به برادران یا خواهران خود می گویید، یا پنهانی کاری را انجام می دهید که والدین تان گفته اند انجام ندهید. شاید درباره چیزهای دیگری فکر می کنید که آنها را انجام بدهید و آنها گناه هستند.
خدا می گوید مجازاتی که شما برای گناه مستحق آن هستید، جدایی ابدی از او در یک مکان مجازات بنام جهنم است. شما نمی توانید مشکل گناهان تان را خود تان حل کنید. این مشکل حتی از مرگ جسمانی نیز بدتر است.

نمونه هایی از گناه را بگویید که می تواند به کلاس تان مربوط باشد.

یهودیان قادر به حل مشکل وحشتناک شان نبودند. آنها توسط قانونی که هرگز نمی توانست تغییر یابد، به مرگ محکوم شده بودند. ملکه استر برای نجات زندگی قومش کمک خواست.
وقتی پادشاه فهمید که ملکه اش و قوم او باید بمیرند، بسیار وحشت زده شد!
پادشاه می خواست که بداند: "چه کسی جرات کرده چنین کاری بکند؟" ممکن است استر برگشته و به هامان نگاه کرده بود. چهره هامان سفید و بیرنگ شده بود. او خبر نداشت که ملکه استر یهودی بود! آنوقت ملکه گفت: "دشمن ما این هامان شریر است!"
خشایارشاه بسیار خشمگین شد! او می بایست با ناباوری و عصبانیت برای یک لحظه به هامان نگاه کرده باشد. آنوقت سریعا از تخت بلند شد و با عصبانیت از اطاق به باغ قصر رفت.
ذهن هامان به سرعت سعی می کرد راهی برای فرار از موقعیت وحشتناکش پیدا کند. او می دانست که هیچ سودی در متقاعد کردن پادشاه عصبانی وجود نداشت. او به سوی ملکه استر برگشت و به او نگاه کرد. شاید او می توانست استر را متقاعد کند تا به او رحم کند.

دست های تان را به هم قلاب کنید، مثل اینکه در حال التماس کردن هستید.

با ترس صحبت کنید.

ممکن است پادشاه اتاق را ترک کرد تا عصبانیت خود را کنترل نماید، یا اینکه آنوقت که فهمید استر یهودی است ، رفت تا فکر کند که راهی برای نجات زندگی استر پیدا کند.

بچه های پر جنب و جوش از اجرای نمایشی این قسمت از داستان لذت می برند.

(تصویر 3 - 5 از کتاب تصاویر)

هامان از روی تخت برخاست وبه عجله سوی استر رفت. درحالی که قلب هامان به شدت می تپید از استر تقاضا کرد که به او رحم کند. هامان از روی ناامیدی خود را روی تخت استر انداخت. در آن لحظه خشایارشاه به اطاق مهمانی برگشت. وقتی پادشاه دید که هامان شریر برروی تخت ملکه افتاده است، چهره اش از عصبانیت درخشید.
خشایارشاه فریاد زد: "آیا به ملکه نیز حمله می کنی؟" در پارس این عملی بود که مستحق مجازات مرگ بود. تعدادی از خدمتکاران به هامان

نزدیک شدند و پوششی بر سرش نهادند – این نشانه محکومیت به مرگ بود. یکی از مشاوران مورد اطمینان خشایارشاه بنام هربونا به پادشاه گفت: " هامان چوبه داری به ارتفاع ۲۵ متر در خانه اش بر پا کرده است. او چوبه دار را ساخته است تا مردخای را که جان پادشاه را نجات داده است، اعدام کند. "شاید هربونا از دیگر خدمتکاران درباره چوبه دار شنیده بود. چوبه داری که براحتی از بالای پشت بام های شهر دیده می شد. پادشاه با تنفر به هامان نگاه کرد و گفت: " هامان را برروی آن چوبه دار اعدام کنید!" هامان فورا از قصر به خانه اش برده شد. خانه اش همان جایی بود که او بالای چوبه داری که برای مردخای ساخته بود، اعدام می شد.

خدا در آینده نگری اش اجازه داد که شرایط، هامان را به سوی مرگ هدایت کند. خدا دشمن یهودیان را از سر راه برداشت، زیرا او یهودیان را دوست داشت.

کارت با تعریف مفهوم مراقبت و فراهم سازی خدا را نشان دهید.

خدا شما را نیز دوست دارد. درباره این موضوع فکر کنید! خدایی که زمین، آسمان، دریا و هر آنچه را که در آنها زندگی می کنند، آفرید؛ شما را نیز آفرید و دوست تان دارد! او همه چیز را درباره شما می داند. خدا می داند که شما واقعا در درون چگونه هستید، اما او همچنان به همان صورت شما را دوست دارد. به همین دلیل است که کتاب مقدس می فرماید: "خدا محبت است" (اول یوحنا ٤: ٨). همچنین کتاب مقدس می فرماید: خدا مقدس – کاملا بدون گناه است. هر آنچه که او انجام می دهد، بدون گناه و درست است. همچنین محبت خدا به شما بدون نقص است. محبت خدا به این بستگی ندارد که شما چه کسی هستید یا چه کاری انجام می دهید. از آنجا که خدا هرگز تغییر نمی کند، محبت او برای تو هرگز تغییر نمی کند. او می خواهد که به او ایمان بیاورید و از مجازات گناهان تان نجات یابید تا بتوانید روزی با او در بهشت زندگی کنید. محبت او برای شما بسیار عظیم است.

۵- به بچه های نجات نیافته کمک کنید تا بفهمند که خدا ایشان را شخصاً و تک تک دوست دارد.

محبت خدا برای یهودیان نیز عظیم بود. او دشمن یهودیان، هامان را از سر راه شان برداشت. خدا اجازه داد که شرایط به مرگ هامان منجر شود. وقتی خدمتکاران به شاه گزارش دادند که هامان مرده است، عصبانیت پادشاه کم شد.

(تصویر 4 - 5 از کتاب تصاویر)

پادشاه تمامی اموال هامان را به ملکه استر داد. آنوقت ملکه به پادشاه گفت که مردخای، کسی که جان پادشاه را نجات داد، پسر عموی او است. همچنین به پادشاه گفت که مردخای او را بزرگ کرده است. پادشاه دستور داد تا مردخای به قصر آورده شود. او مردخای را به مقام دوم اجرایی – همان سمتی که هامان داشت، ارتقا داد. او همچنین مهر دولتی خود را به مردخای داد و استر مردخای را مسئول اموال هامان کرد.

ملکه استر می بایست حالا آسوده شده باشد، زیرا دشمن او مرده بود و پسرعموی او سمت مهمی داشت. اما او همچنان درباره قومش بسیار نگران بود. قانونی که می گفت آنها باید در سیزدهم ماه دوازدهم کشته شوند، تغییر ناپذیر بود. استر عمیقا نگران قومش بود.

اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، خدا می خواهد که شما به دیگران نیز اهمیت بدهید، مخصوصا به آنانی که در خانواده شما هستند. شما می توانید با دعا کردن برای دیگران برای آنها اهمیت قائل شوید، تا اینکه آنها نیز به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده شان ایمان بیاورند. راه دیگری که شما می توانید دلواپسی خود را نشان دهید، این است که درباره عیسی خداوند با خانواده و دوستان تان صحبت نمایید تا آنها نیز بدانند که عیسی خداوند می تواند آنها را از مجازات گناه نجات دهد. شاید می توانید با آنها در مورد نحوه ایمان آوردن تان به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان صحبت نمایید. ممکن است بتوانید از آنها دعوت کنید تا با شما به کلیسا یا کانون شادی بروند. همچنین می توانید از برادران و خواهران و دوستان تان دعوت کنید تا با شما به کانون شادی بیایند. کتاب مقدس می فرماید: " درتمام عالم بروید و جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید" (مرقس ١٦: ١٥). خبر خوش را نزد خودتان نگه ندارید! گفتن اینکه چطور دیگران می توانند از گناه نجات یابند، بهترین راه خوبی کردن به آنها و اهمیت قائل شدن به ایشان است!



کارت تعلیم
کارت تاکید تعلیم برای بچه نجات نیافته را نشان دهید: برای دیگران، مخصوصاً اعضای خانواده خودتان اهمیت قائل شوید و این مطلب را نشان دهید. بچه های نجات نیافته را تشویق کنید تا مخصوصاً برای کسانی که مسیح را به عنوان نجات دهنده نمی شناسند اهمیت قائل شوند.

استر عمیقا نگران قومش بود. او می خواست راهی بیابد تا آنها را از مرگ نجات دهد.

(تصویر 5 - 5 از کتاب تصاویر)

هرچند که استر می دانست او زندگی اش را دوباره به خطر خواهد انداخت، ولی برای دومین بار بدون اینکه دعوت شده باشد، به نزد پادشاه رفت. او بر روی پاهای پادشاه افتاد و برای قومش گریه کرد. پادشاه خشایارشاه عصای طلائی اش را به سوی ملکه غمگین دراز کرد و به او اجازه صحبت کردن داد. استر ایستاد و درخواست دیگری کرد: " اگر باعث خشنودی پادشاه می شود و اگر من در حضور او التفات یافته باشم، اجازه دهید که قانون دیگری نوشته شود تا قانون هامان شریر را منتفی سازد. من چگونه می توانم ساکت بنشینم و نابود شدن قومم را ببینم؟ " می بایستی خدا این فکر را به استر داده باشد که قانون دیگری برای منسوخ کردن قانون اول نوشته شود! خدا در حال استفاده کردن از استر بود تا نقشه اش را برای نجات یهودیان به پیش ببرد!

از آنجا که قانون پارسیان غیر قابل تغییر بود؛ تنها راه حل ممکنه، نوشتن قانونی جدید برای خنثی کردن قانون پیشین بود.

خدا نقشه بسیار مخصوصی دارد تا شما را از گناهان تان نجات دهد. سال ها پیش، خدا پسرش، عیسی مسیح خداوند را از آسمان به زمین فرستاد تا مثل یک نوزاد کوچک به دنیا آید.او بزرگ شد و به یک مرد تبدیل شد و زندگی کاملی را زیست کرد – او هرگز گناه نکرد. درحقیقت، کتاب مقدس می فرماید: "او را که گناه نشناخت" (دوم قرنتیان ٥: ٢١). به این دلیل است که عیسی تنها کسی است که می تواند نجات دهنده شما باشد. اما برای اینکه او نجات دهنده شما باشد، باید برای گناه شما می مرد. عیسی خداوند با میل خود به انسان های شریر اجازه داد تا دست ها و پاهایش را برروی صلیب میخکوب کنند. او به خاطر شما برروی صلیب رنج کشید. خون او برروی صلیب



به بچه های نجات نیافته کمک کنید تا بفهمند که نقشه خدا برای نجات ایشان، تنها راه حل مشکل گناه شان است.

ریخت و برای شما مرد تا مجازات گناه شما را بردارد. کتاب مقدس می فرماید: " که در وی فدیه خود، یعنی آمرزش گناهان خویش را یافته ایم. " (کولسیان ۱: ۱٤) عیسی می دانست که این تنها راهی بود که توسط آن شما می توانستید از گناهان تان بخشیده شوید. بعد از اینکه عیسی مرد، از مردگان برخاست. او برروی زمین توسط افراد زیادی دیده شد (اول قرنتیان ۱۵: ۵ - ۸)، سپس او به آسمان، جایی که امروز در آنجا زنده است، بازگشت. شما می توانید به عیسی خداوند ایمان بیاورید و بخشیده شوید. در این صورت دیگر لازم نیست برای همیشه از خدا جدا شوید. این نقشه خدا برای نجات شما از گناهان تان است.

خدا نقشه ای برای نجات یهودیان داشت. وقتی استر درخواست خود را از پادشاه تقاضا کرد، خدا در حال استفاده کردن از استر برای پیش برد نقشه اش بود.
پادشاه خشایارشاه می بایست به استر لبخند زده باشد، در حالیکه به او می گفت: "تو و مردخای هر قانونی که می خواهید برای یودیان بنویسید و آن را با انگشتر من مهر کنید تا هرگز نتواند تغییر یابد."

(تصویر 6 - 5 از کتاب تصاویر)
استر و مردخای بسیار خوشحال شده بودند! پادشاه به آنها اجازه داده بود تا آنها به مردم شان کمک کنند! مردخای کاتبان پادشاه را جمع کرد و به آنها گفت که دقیقا چه چیزی بنویسند.

نقطه اوج داستان

مردخای قانون جدیدی نوشت تا مردمش را از مرگ نجات دهد!

نتیجه

قانون جدید به یهودیان این حق را می داد که در زمانی که روز نابودی شان فرا برسد، در مقابل دشمنان شان از خود دفاع کنند. حتی آنها می توانستند وقتی که جنگ تمام می شد، اموال دشمنان شان را برای خود بردارند. قانون به زبانهای مختلف ترجمه و تکثیر شد و بوسیله انگشتر پادشاه مهر شد. پیغام رسانان چابک، نسخه های قانون را به تمامی ایالت های مملکت حمل کردند. آن روز مردخای قصر را در حالی که دیگر در پلاس و خاکستر نبود، ترک کرد. او لباس های سلطنتی آبی، سفید و بنفش پوشیده بود و یک تاج طلائی بر سرش نهاده بود. وقتی که خبر قانون جدید در شهر شوشان پخش شد، مردم شادی کردند. مردخای می بایست به همراه دیگر یهودیان در سراسر شهر جشن گرفته باشد. وقتی که یهودیان در سراسر پادشاهی آن قانون را خواندند، متوجه شدند که دیگر نباید از کشته شدن توسط دشمنان شان بترسند و این خبر خوش را جشن گرفتند!

۲- نه ماه به روز قتل عام باقی مانده بود و این موضوع فرصت زیادی به یهودیان می داد تا آماده شوند.

پلاس و لباس های سلطنتی یا پارچه های مخمل یا کتان آبی، سفید و بنفش را نشان دهید.

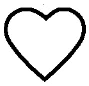
دعوت

(تصویر 7 - 5 از کتاب تصاویر)

خدا برای شما نیز خبر خوشی دارد! شما نباید دیگر از مرگ و جدایی از خدا به خاطر گناه بترسید. خدا شما را دوست دارد و برای شما راهی فراهم ساخت تا از مجازات گناهان تان نجات یابید. این راه همان ایمان آوردن به عیسی خداوند و مرگ او برروی صلیب به خاطر شما است. کتاب مقدس می فرماید: "به خداوند عیسی ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت" (اعمال ١٦: ٣١). ایمان آوردن، یعنی اینکه از گناهان تان برگردید و به عیسی خداوند به عنوان تنها کسی که می تواند شما را از مجازات گناهان تان نجات دهد، کاملا اعتماد کنید. شما می توانید امروز به او ایمان بیاورید.

لطفا سرهای تان را خم کنید و چشم های تان را ببندید. شما می توانید این کلمات را به خدا بگویید: "خداوند عزیز، می دانم که گناه کرده ام. من مستحق هستم که برای گناهم مجازات شوم. ایمان دارم که عیسی پسر توواست. ایمان دارم که او برای من برروی صلیب مرد و دوباره زنده شد. از تو متشکرم که عیسی مجازات مرا برداشت و من می توانم برای همیشه از گناهانم نجات یابم. درست همین حالا من عیسی را به عنوان نجات دهنده ام می پذیرم. تمامی گناهانم را از من دور کن و یک زندگی جدید در درونم به من بده تا بتوانم برای خشنودی تو زندگی کنم. اینها را در نام عیسی می طلبم. آمین.

اگر شما این کلمات را با من تکرار کردید و درباره آن جدی بودید، آیا با بلند کردن دست تان به من نشان خواهید داد؟ (متوجه جواب ها شوید.) اگر شما این کلمات را در دعای تان گفتید، لطفا مرا (در مکان و زمان مشخصی) ملاقات کنید. من مایلم که با شما چند دقیقه ای صحبت کنم تا مطمئن شوم که فهمیده اید عیسی چه کاری برای شما انجام داده است.



با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید از بچه ها دعوت کنید تا عیسی را به عنوان نجات دهنده شان قبول کنند. برای آموزش های بیشتر به " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد"، مراجعه کنید.

اجازه دهید که بچه ها این دعاها را به همراه شما، عبارت به عبارت تکرار کنند. کسانی که دعا کردند تشویق کنید تا بعدا شما را ملاقات کنند، تا بتوانید به آنها درباره تصمیم شان مشورت دهید.

تلاش

اگر شما قبلا به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، آیا در این هفته به خاطر خواهید آورد که دلواپس دیگران، خصوصا آنانی که در خانواده خودتان هستند، باشید؟ چند روشی که با آنها می توانیم برای دیگران اهمیت قائل شویم، چیست؟ (بگویید که چطور به عیسی به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، آنها را به کلیسا یا کانون شادی دعوت کنید.) شاید بتوانید آیه حفظی امروزمان را با آنها در میان بگذارید (اعمال ٤:١٢ را با هم تکرار کنید)

امروز بر روی برگه ای که به خانه می برید، روش ساده ای وجود دارد که شما می توانید با آن به دیگران توضیح دهید که چگونه می توانند نجات یابند. شما می توانید به آنها بگویید: (الف) اعتراف کنید که گناه کرده اید. (ب) ایمان بیاورید که عیسی برای شما مرد و دوباره زنده شد و (پ) تصمیم بگیرید و اجازه دهید که او نجات دهنده شما باشد.



کارت تعلیم

کارت تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته را نشان دهید.

"کارت های خانگی"

تهیه کنید که حاوی تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته، و در صورت امکان تصاویر شرح داده شده، باشد.

هر یک از سوالات مروری را روی برگه ای بنویسید. برگه ها را درون کیسه ای بگذارید. به بچه ها اجازه دهید به شکل دایره بایستند و درحالیکه موسیقی نواخته می شود، کیسه را دست به دست به یکدیگر رد کنند. وقتی که موسیقی متوقف می شود، بچه ای که کیسه را در دست دارد، سوالی را بیرون می آورد و آن را پاسخ می دهد . اگر جواب او درست باشد، جایزه کوچکی می گیرد.

سوالات مروری

۱. در مهمانی دوم، ملکه استر از پادشاه چه درخواستی کرد؟ (او نجات جان خود و قومش را تقاضا کرد.)
۲. شما مستحق چه مجازاتی برای گناهان تان هستید؟ (جدایی ابدی از خدا در یک مکان بسیار بد مجازات)
۳. چرا پادشاه خشایارشاه از دست هامان عصبانی بود؟ (هامان توطئه کرده بود تا ملکه استر و قومش کشته شوند)
٤. چه اتفاقی برای هامان افتاد؟ (او برروی چوبه داری که برای مردخای ساخته بود، اعدام شد.)
۵. آیا چیزی وجود دارد که شما انجام دهید تا خدا شما را دوست بدارد؟ چرا؟ (نه، او از قبل شما را دوست دارد، بدون توجه به اینکه چه کسی هستید یا چه کاری انجام می دهید.)
۶. پادشاه برای مردخای چه کاری انجام داد؟ (به او مقام دوم اجرایی کشور، یعنی پست قبلی هامان را داد و همچنین مهر حکومتی پادشاه را نیز به او داد.)
۷. چند روش که شما می توانید به وسیله آنها برای دیگران اهمیت قائل شوید را نام ببرید؟ (به آنها بگویید که چطور به عیسی به عنوان نجات دهنده تان ایمان آوردید، آنها را به کلیسا یا کانون شادی دعوت کند.
۸. بعد از اینکه هامان مرد، استر از پادشاه خواست که چه کاری انجام دهد؟ (قانون جدیدی وضع نماید تا مردم او کشته نشوند.)
۹. نقشه خدا برای نجات دادن شما از گناهان تان چیست؟ (خدا پسر بدون گناهش، یعنی عیسی خداوند را به زمین فرستاد تا خونش را برروی صلیب بدهد و مجازات شما را بردارد.)
۱۰. قانون جدید چه حقی به یهودیان می داد؟ (آنها می توانستند جمع شوند و وقتی که جنگ شروع می شد در مقابل دشمنان شان از خود دفاع کنند. همچنین آنها می توانستند اموال دشمنان شان را بعد از خاتمه نبرد تصاحب کنند.)
۱۱. بعد از وضع قانون جدید، یهودیان می بایست برای چه امری سپاسگزار می بودند؟ (خدا دعاهای ایشان را پاسخ داده بود و آنها دیگر نباید از مرگ می ترسیدند.)
۱۲. ایمان آوردن به عیسی مسیح خداوند به چه معنا است؟ (اعتماد کامل به عیسی خداوند به عنوان تنها کسی که می تواند شما را از گناه نجات دهد.)

درس ۶
قوم خدا پیروز است

متن کتاب مقدس	استر ۸: ۱۷- ۱۰: ۳
آیه حفظی	یوحنا ۱۶: ۳۳ "... در جهان برای شما زحمت خواهد شد و لکن خاطر جمع دارید زیرا که من بر جهان غالب شده ام."
هدف تعلیم	بچه نجات یافته روزانه خدا را به خاطر مراقبت های آینده نگرانه اش ستایش می کند، راه هایی که خداتوسط آنها در زندگی اش کار می کند، را شناسایی می کند.
تعلیم اصلی	خدا را به خاطر محبت دوراندیشانه اش ستایش کنید.
تاکید برای نجات نیافتگان	به عیسی خداوند ایمان بیاورید و زندگی جاودانی را دریافت کنید.
کمک های تصویری	تصاویر **6-1 – 6-7**

خطوط اصلی درس

۱. مقدمه
آیا درست کردن پازل را دوست دارید؟

۲. پیشرفت وقایع

الف. یهودیان به خاطر قانون جدید شادی کردند و بسیاری از مردم می خواستند که یهودی بشوند. (۸: ۱۷)
ب. در روز نبرد، یهودیان جمع شدند تا در مقابل کسانی که در صدد کشتن آنها بودند، از جان خود دفاع کنند. (۹: ۱- ۲)

پ. هیچ کس نمی توانست در مقابل یهودیان بایستد، زیرا مردم از آنها می ترسیدند. (۹: ۲)
ت. افسران حکومتی فارس به یهودیان کمک کردند، زیرا از مردخای می ترسیدند و مردخای قدرتمندتر شد. (۹: ۳- ٤)
ث. یهودیان دشمنان شان را کشتند. آنها ۵۰۰ مرد را در دژ شوشان نابود کردند. (۹: ۵ - ۱۰)
ج. خبرهای کشتار به پادشاه گزارش داده شد. پادشاه

درخواست دیگر استر را نیز انجام داد. (۹: ۱۱- ۱۲)

چ. استر در خواست کرد تا فرمان پادشاه را در روز دیگری انجام دهد. (۹: ۱۳)

ح. پادشاه درخواست استر را قبول کرد. تعداد بیشتری کشته شدند. (۹: ١٤- ۱۶)

خ. یهودیان بعد از آن استراحت کردند و روز بعد را روز جشن و شادی مقرر کردند. (۹: ۱۷- ۱۹)

۳. نقطه اوج داستان

خدا از قومش مراقبت و حفاظت به عمل آورده و آنها را از نابودی نجات داد!

۴. نتیجه

الف. جشن پوریم بنیان نهاده شد. (۹: ۲۰- ۳۲)

ب. مردخای صاحب اعتبار و شهرت والایی شد، زیرا او جهت آسایش تمامی یهودیان سخن گفت. (۱۰: ۲- ۳)

تلاش (بچه نجات یافته): خدا را برای مراقبت آینده نگرانه اش ستایش کنید. (یوحنا۱۶: ۳۳)

دعوت (بچه نجات نیافته): به عیسی خداوند ایمان بیاورید و نجات یابید. (یوحنا۳: ۳۶)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: یوحنا ١٦: ٣٣

" ... در جهان برای شما زحمت خواهد شد. و لکن خاطر جمع دارید زیرا که من برجهان غالب شده ام. "

مقدمه:

مشکلات، مشکلات، مشکلات! مشکلات بزرک، مشکلات کوچک! چه وقت ما از تمامی مشکلات زندگی مان آزاد خواهیم شد؟ تا وقتی که به آسمان نرویم، از مشکلات آزاد نخواهیم شد. عیسی گفت که مشکلات قسمتی از وجود این دنیا است.

معرفی:

(توضیح دهید که آیه کاملا دست است، زیرا کلام خدا است. به بچه ها نشان دهید که چطور آیه را پیدا کنند، آنوقت آیه را از کتاب مقدس تان بخوانید. اجازه دهید که بچه ها آیه را از روی آیه نمایشی با شما بخوانند.)

توضیح:

در جهان برای شما زحمت خواهد شد – ما می توانیم در این

دنیا توقع مشکلات و سختیها را داشته باشیم.
ولکن خاطر جمع دارید – اما حتی در زمان مشکلات نیز می توانید آسوده خاطر باشید و جرات داشته باشید.
زیرا که من بر جهان غالب شده ام – عیسی در حال صحبت کردن است. این آسودگی و جرات مال شما است، زیرا عیسی، کسی است که بر هر مشکلی پیروز است و همه چیز را کنترل می کند.

کاربرد:
نجات یافتگان: عیسی از هر مشکلی که شما ممکن است در زندگی تان داشته باشید، بزرگتر است. اگر شما به عیسی ایمان آورده اید، می توانید خدا را ستایش کنید، زیرا او همه چیز را تحت کنترل دارد و از شما مراقبت می نماید.
نجات نیافتگان: قبل از اینکه بتوانید به عیسی اطمینان کنید تا از شما مراقبت کند، باید به او ایمان بیاورید. آیا به عیسی به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید و زندگی ابدی او را دریافت کرده اید؟
اگر تا به حال به او ایمان نیاورده اید، چرا امروز این کار را انجام نمی دهید؟ در پایان درس کتاب مقدس فرصتی خواهید داشت تا این کار را انجام دهید.

تکرار: کوه های منعکس کننده
(کلاس را به سه دسته تقسیم کنید. دسته اول، کوه با صدای بلند. دسته دوم، کوه با صدای متوسط و دسته سوم کوه، با صدای آهسته. درحالیکه در جلوی بچه ها ایستاده اید، آیه را عبارت به عبارت قرایت کنید. مرجع آیه را در ابتدای آیه و پایان آیه بگوید. بعداز اینکه عبارتی را گفتید، کوه های منعکس کننده آن آیه را تکرار می کنند. در ابتدا کوه با صدای بلند، عبارتی را می گوید، بعد کوه با صدای متوسط و در آخر کوه با صدای آهسته، عبارت را تکرار می کند. بعد از اینکه تمام آیه عبارت به عبارت توسط سه کوه گفته شد، جای کوه ها را با حرکت دادن گروه ها تغییر دهید تا هر گروه بتواند به نوبت کوه با صدای بلند، کوه با صدای متوسط و کوه با صدای آهسته باشد. در طول بازی از آیه نمایشی استفاده کنید. بعد بدون آیه نمایشی بازی را ادامه دهید.)

درس
مقدمه

آیا دوست دارید که قطعات پازل را کنار هم قرار دهید؟ تصویری روی جعبه پازل وجود دارد که در پایان ساخته شدن پازل همان تصویر بوجود می آید. من از این موضوع خوشحالم! این تصویر به من خاطر نشان می سازد که هر چند وقتی که سعی می کنم قطعات پازل را در کنار هم بگذارم پازل بسیار نامفهوم به نظر می رسد، ولی در پایان تصویر زیبایی

پازلی را که در جعبه اش بوده و هنوز سر هم نشده است را نشان دهید.

به وجود خواهد آمد! بعضی وقت ها زندگی ما نیز می تواند مثل یک پازل باشد.

بسیاری از اتفاقات رخ می دهد که به نظر می رسد با آن چه که ما فکر می کنیم باید نقشه خدا باشد، هماهنگ نیست. شاید وقتی که تمامی آن اتفاقات عجیب در شوشان واقع شد، استر، مردخای و دیگر یهودیان نیز چنین احساسی داشتند. (داستان را بطور خلاصه مرور کنید) اما وقتی که روز نبرد با دشمنان شان نزدیک شد، آنها در حال جشن گرفتن بودند!

بچه ها از باز گویی داستان لذت می برند.

پیشرفت حوادث

(تصویر 1 - 6 از کتاب تصاویر)

قانون جدیدی که با انگشتر پادشاه مهر شده بود، در تمام نواحی مملکت پخش شد. این قانون می گفت که یهودیان حق داشتند که جمع شوند و در برابر دشمنان شان از خود دفاع کنند. آنها حتی می توانستند دارایی های دشمن را برای خود تصاحب کنند. تعدادی از مردم که یهودی نبودند، از قانون جدید نگران شده بودند. شاید آنها تشخیص داده بودند که خدای یهودیان در حال مراقبت کردن از قومش بود. حتی بعضی از مردم فکر کردند که یهودی بودن امن تر از این است که دشمن یهودیان باشند! ماه ها گذشت و چند روزی تا شروع جنگ باقی مانده بود.

درحالی که روز نبرد نزدیک می شد، هرکسی خود را آماده می کرد. آنانی که از یهودیان متنفر بودند، پیشاپیش به خلاص شدن از دست آنها و تصاحب اموال شان فکر می کردند. بسیاری از خانواده های یهودی می بایست عصبی بوده باشند. شاید بعضی از آنها از خود می پرسیدند که آیا در این نبرد پیروزمی شوند. آیا خدا همه چیز را تحت کنترل داشت؟ حتی اگر آنها می توانستند از خود دفاع کنند، خدا چطور می توانست این شرایط را به سودشان تغییر دهد؟ ممکن است شما بارها از خود پرسیده اید که آیا خدا واقعا زندگی تان را کنترل می کند، یا آیا او می تواند شرایط بسیار بد اطراف شما را به سودتان تغییر دهد؟



بعضی وقت ها ما به چیزهایی مانند جنگ، قحطی و غیره که در دنیا اتفاق می افتد نگاه می کنیم و احساس می کنیم که خدا این چیزها را کنترل نمی کند. شاید چیزهایی که به نظر می رسد خارج از کنترل است، برای شما و خانواده تان اتفاق افتاده است. ممکن است به خانه تان دستبرد زده شده است، یا یکی از اعضای خانواده تان قربانی یک جنایت یا دچار یک بیماری وحشتناک شده است. حتی اگر زمانی نتوانید بفهمید یا به روشنی ببینید که چطور خدا در حال کار کردن است، می توانید اطمینان داشته باشید که او در حال عمل کردن است و ا ز او تشکر کنید.

اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، از خدا بخاطر آینده نگری اش تشکر کنید. آینده نگری به این معنا است که خدا همیشه در حال مراقبت از قوم خود و کنترل همه اتفاقات در زندگی آنها است. هیچ چیزی نمی تواند اتفاق بیافتد که موجب تعجب خدا شود. هر چند ممکن است شما نفهمید که به چه دلیل اتفاقی رخ می دهد، ولی

کارت تعلیم

کارت تعلیم با تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته را نشان دهید: خدا را به خاطر مراقبت و فراهم سازیش، تمجید کنید.

کارت با تعریف مراقبت و فراهم سازی خدا را نشان دهید.

می توانید خدا را ستایش کنید که هرگز خارج از دایره مراقبت و کنترل او نیستید. کتاب مقدس می فرماید که خدا بر همه چیز فرمانروایی می کند(مزمور ۱۰۳: ۱۹) . وقتی که گنجشکی از آسمان به زمین می افتد، خدا آگاه است. او حتی از تعداد موهای سر شما نیز آگاه است. (متی ۱۰: ۲۹ - ۳۱ را بخوانید.) اگر خدا با دقت کوچکترین چیزهای طبیعت را کنترل می کند، چقدر بیشتر او بایستی برای مردم – خصوصا آنهایی که فرزندان او هستند، اهمیت قائل شود. هرگز لازم نیست که از خود بپرسید، آیا خدا همه چیز را تحتت کنترل دارد!

یهودیان از خود می پرسیدند؛ آیا خدا موقعیت آنها را تحت کنترل خود دارد. درحالی که روز نبرد فرار می رسید، چطور خدا می توانست همه چیز را به نفع آنها تغییر دهد؟

(تصویر 2 - 6 از کتاب تصاویر)

بالاخره روز موعود، یعنی سیزدهم ماه دوازدهم فرا رسید. احتمالا اغلب مردم شوشان صبح زود بیدار شده و از خود می پرسیدند که این روز چگونه به پایان خواهد رسید. یهودیان با هم جمع شدند، تا از خود دفاع کنند. آنها نمی بایست خیلی منتظر می ماندند، زیرا دشمنان یهودیان بزودی حمله شان را شروع می کردند. شاید آنها فکر می کردند که شکست دادن یهودیان کار آسانی است، اما نتیجه کاملا برعکس شد.
یهودیان آماده و قادر بودند که با حمله ها مقابله کنند. در سراسر شوشان و امپراطوری پارس یهودیان با دشمنان شان مقابله کردند و آنها را شکست دادند. کتاب مقدس می فرماید که همه مردم از یهودیان هراسان شدند.
هرچند که یهودیان در سرزمین فارس اسیر بودند، ولی در مقابل دشمنان شان پیروز شدند. ممکن است بعضی از فارسیان درک کرده بودند که خدای یهودیان در حال کمک کردن به آنها است، یهودیان قوم مخصوص خدا بودند و روزی خدا نجات دهنده ای را از میان آنها می فرستاد تا گناه جهان را بردارد.



از آنجا که این درس بر رشد مسیحی متمرکز شده است، پیغام نجات در آن خلاصه شده است. شما می توانید در زمان دیگری از کلاس بر معرفی انجیل تاکید کنید.

من و شما می توانیم بدانیم که یقینا پسر بدون گناه خدا، عیسی مسیح خداوند نجات دهنده بود. او آمد تا گناه شما را بردارد. کتاب مقدس تعلیم می دهد که شما گناهکار بدنیا آمدیده اید و تمایل دارید که به راههای خود بروید. کتاب مقدس می فرماید: "جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود" (اشعیا ۵۳: ٦). ایا شما می توانید چند چیز گناه آلود را که بچه ها انجام می دهند، نام ببرید؟ (بحث کنید). شما مستحق هستید که برای همیشه از خدا جدا شوید، زیرا او مقدس – مبرا از تمام گناهان است. اما خدا، یعنی کسی که شما را آفرید، شما را بسیار زیاد دوست دارد. کتاب مقدس می فرماید که خدا ما را با یک محبت ابدی دوست دارد. (ارمیا ۱۳: ۳). او ما را حتی پیش از اینکه به دنیا آییم، دوست می داشت.
او شما را آنقدر دوست دارد که اجازه داد پسرش، گناه شما را بردارد (دوم قرنتیان ۵: ۲۱) . عیسی خداوند بر روی یک صلیب میخکوب شد، جایی که او با میل خود خونش را ریخت و مرد تا بهای گناه شما را

بپردازد. بعد از اینکه عیسی خداوند برای شما مرد، او را دفن کردند. سه روز بعد او دوباره در جسمش زنده شد و توسط افراد زیادی دیده شد. امروز او در بهشت زنده است. شما می توانید به او ایمان بیاورید تا گناهان تان بخشیده شود. آنوقت زندگی شما تغییر خواهد یافت ــ شما به خدا تعلق خواهید داشت. عیسی حقیقتا همان نجات دهنده ای بود که خدا وعده داده بود از میان یهودیان بفرستد. یهودیان قوم مخصوص خدا بودند.

شاید تعدادی از فارسیان متوجه شدند که خدای یهودیان به آنها کمک می کند. حتی بزرگان حکومتی کمک کردن به یهودیان را شروع کردند. کتاب مقدس می فرماید که بزرگان از مردخای می ترسیدند. او مرد مهمی در پادشاهی بود، آنها احتمالاً می توانستند ببینند که خدای او از او مراقبت می کند. همانطور که ساعات نبرد سپری می شد، یهودیان به پیروزی شان در برابر دشمنان شان ادامه دادند. اخبار نبرد به قصر نزد پادشاه خشایارشاه نیز رسید. او به ملکه گفت که یهودیان ۵۰۰ نفر از دشمنان شان را در شوشان کشته اند. هزاران نفر بیشتر، در سراسر پادشاهی فارس کشته شده بودند.

بعضی ها فکر می کنند که حتی ممکن است ارتش پارس به خاطر موقعیت و مقام مردخای در دربار سلطنتی، در دفاع یهودیان از خود به آنها کمک کرده است.

(تصویر 3 - 6 از کتاب تصاویر)

آنوقت پادشاه از استر پرسید: درخواست تو چیست؟ هر چه بخواهید، بایستی انجام داده شود. استر پاسخ داد: اگر پادشاه خوشنود می شوند، اجازه دهید که یهودیان شوشان یک روز بیشتر فرصت داشته باشند تا بعد از آن به نبرد خاتمه دهند.

ملکه استر می خواست مطمئن شود که همه دشمنان آنها نابود شده باشند، تا دیگر تهدیدی برای قومش وجود نداشته باشد.

پادشاه یک حکم جدید در شوشان اعلام کرد تا درخواست استر مورد اجرا درآید. نبرد برای یک روز دیگر تمدید شد. خدا به پیروز کردن یهودیان در برابر دشمنان آنها ادامه داد.

او از قوم یهود مراقبت می کرد و این نبرد سخت را کنترل می نمود، هرچند ممکن بود که برای یهودیان سخت و مشکل باشد که مراقبت و محبت خدا را در این بحبوحه نبرد ببینند.

ظاهرا روز دوم نبرد، تنها در شوشان اتفاق افتاد. بقیه مناطق پادشاهی تنها در روز اول جنگیدند. این موضوع دلیل جشن دو روزه در پایان داستان می باشد.

کارت با تعریف مراقبت و فراهم سازی خدا را نشان دهید.

بعضی اوقات وقتیکه شما یک زمان سخت را می گذرانید، فهمیدن محبت و مراقبت خدا مشکل است (اینکه خدا چطور در زندگی شما کار می کند). اما خدا می خواهد که شما بخاطر آورید که او در تمام زمان ها در حال عمل کردن در زندگی شما است. عیسی گفت (یوحنا ۱۶: ۳۳ را تکرار کنید) زیرا خدا از هر مشکلی که شما با آن مواجه می شوید، بزرگتر است. می توانید مطمین باشید که او از شما مراقبت میکند. اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، خدا را بخاطر محبت و مراقبتش در زندگی تان ستایش کنید. بعضی اوقات آسان است که ببینید خدا چطور از شما مراقبت می کند و موقعیت شما در زندگی تان را با کارهای نیکویی که برای شما انجام می دهد، کنترل می کند. اما بعضی وقت ها دیدن این مسئله مشکل تر است.



کارت تعلیم

کارت با تاکید تعلیم برای بچه نجات یافته را نشان دهید.

دانستن اینکه خدا همیشه بهترین ها را برای شما می خواهد به شما کمک خواهد کرد که او را ستایش کنید، هرچند نمی بینید که او چگونه در زندگی شما کار می کند. به خاطر بیاورید که بعضی اوقات محبت و مراقبت خدا در چیزهایی است که اتفاق نمی افتد. (به عنوان مثال وقتی که دزدی برای سرقت به خانه شما آمد، چیزهایی دزدیده نشد یا از بین نرفت. یا زندگی یک عضو خانواده در یک جنایت خشونت آمیز، محافظت شد. یک شخص به بهشت برده شده تا با خدا باشد، بجای اینکه از یک بیماری طولانی زجر بکشد.) می توانید خدا را به خاطر محبت و مراقبتش شکر کنید، هر چند نتوانید بفهمید که معمای هر روز چطور به پایان خواهد رسید. هر روز راه های عملکرد خدا را جستجو کنید. هر روز از او به خاطر توجه و کنترل دقیقش در زندگی تان، حتی در زمان سختی ها و مشکلات تشکر کنید.

ممکن است یهودیان شوشان به سختی می توانستند مراقبت و کنترل خدا را در حین مشکل شان ببینند، اما محبت و مراقبت مخصوص او در طول آن نبرد سخت برای آنها در حال کار کردن بود.

(تصویر 4 - 6 از کتاب تصاویر)

وقتی نبرد دو روزه به پایان رسید، بیش از ۷۵ هزار نفر از دشمنان آنها در سراسر پادشاهی کشته شده بودند. هر چند یهودیان طبق قانون اجازه داشتند که دارایی های دشمنان شان را تصاحب نمایند، اما آنها این کار را نکردند و چیزی برنداشتند. آنها با دشمنان شان نجنگیده بودند تا ثروتمند شوند. آنها فقط می خواستند که از خانواده های شان دفاع کنند. وقتی که جنگ به پایان رسید، یهودیان پیروزی شان را جشن گرفتند.

این جالب است که سه بار در داستان ذکر شد که یهودیان هیچ چیز از دشمنان شان نگرفتند. به نظر می رسد که نویسنده می خواست بر این موضوع تاکید کند که نبرد برای دفاع شخصی و نه برای جمع آوری غنایم بود.

نقطه اوج

خدا از قومش محافظت و مراقبت کرد و آنها را از نابودی نجات داد!

نتیجه

(تصویر 5 - 6 از کتاب تصاویر)

استر و مردخای یک قانون وضع کردند مبنی بر اینکه یهودیان باید این واقعه را هر ساله با مهمانی دادن، هدیه دادن، کمک کردن به فقرا و شادی کردن، جشن بگیرند. آنها این عید را "پوریم" نام نهادند. کلمه پور به معنی سرنوشت است. این عید یاد آوری این حکایت بود که چطور هامان از مشاورانش خواست تا با قرعه انداختن، سرنوشت یا همان روز نبرد را تعیین کنند. استر ومردخای می خواستند که یهودیان همیشه به خاطر بیاورند که خدا چطور از آنها مراقبت کرد.
مردخای در مملکت بسیار محترssم شد و به خاطر طرز عملش برای کمک به قوم، توسط یهودیان نیز مورد احترام بسیار قرار گرفت.

پوریم به عنوان جشن سرنوشت نیز شناخته می شود، امروزه یهودیان هنوز به همان روش در ماه فوریه- یک ماه پیش از پسح، پوریم را جشن می گیرند.

(تصویر 6 - 6 از کتاب تصاویر)

وقتیکه مردخای و استر به تمام آن چیزهایی که در پارس اتفاق افتاده بود فکر کردند، ممکن است در مورد مراقبت وکنترل خدا هم فکر کرده

کارت با تعریف مراقبت و فراهم سازی خدا را نشان دهید.

بودند و چگونگی این موضوع که خدا از قومش مراقبت کرد و تمام وضعیت های موجود را کنترل کرد. چند راهی که خدا مراقبت محبت آمیزش را به استر و قومش نشان داد، کدامند؟ (اجازه دهید که بچه ها اتفاقات ویژه را به خاطر آورند. خدا ترتیبی داد تا استر ملکه شود- او اجازه داد تا مردخای توطئه بر علیه خشایارشاه را بشنود، باعث شد تا پادشاه نتواند بخوابد و خدمتکارش قسمتی از کتاب ثبت اتفاقات را بخواند که در مورد کار مردخای توضیح می داد، به استر جرات داد تا از پادشاه تقاضای عفو قومش را بنماید. باعث شد که نقشه های شیطانی هامان بر علیه مردخای و یهودیان شکست بخورد.) چقدر عالی می توان مراقبت و محبت خدا را دید، وقیت که مردم و اتفاقات را درست در مسیری که نقشه های خودش موفق بشوند، به پیش می برد.

تلاش

اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، آیا خدا را به خاطر مراقبت و محبتش در زندگی تان ستایش می کنید؟ کلام خدا را به خاطر بیاورید (تکرار کنید یوحنا ١٦: ٣٣). به تمام راه هایی که خدا از شما مراقبت می کند و چیزهایی که برای شما اتفاق می افتد و او آنها را کنترل می کند، فکر کنید. هر چند نمی توانید درک کنید یا نقشه اش را ببینید، اما می توانید از او تشکر کنید.
هر روز این هفته جستجو کنید که خدا چطور کار می کند. از آنچه که می بینید خدا انجام می دهد، لیستی تهیه کنید (یا که تصویرهایی بکشید). هر روز وقت بگذارید تا از خدا تشکر کنید، از لیست راه هایی که می بینید خدا در زندگی تان کار می کند، استفاده کنید. از خدا بخاطر چیزهایی که او از اتفاق افتادنش جلوگیری می کند، تشکر کنید. زیرا که او در حال کنترل کردن همه چیز است. (دعا را با یک ستایش کوتاه و خلاصه با تشویق بچه ها برای گفتن جملات شکرگزاری از خدا بخاطر مراقبت او از آنها، تمام کنید.)

دعوت

(تصویر 7 - 6 از کتاب تصاویر)

مراقبت ویژه خدا به آنهایی وعده داده شده است که متعلق به او هستند. شما می توانید امروز بوسیله ایمان آوردن به پسرش، عیسی مسیح خداوند به عنوان نجات دهنده تان، متعلق به خدا شوید. کتاب مقدس می فرماید: " آنکه به پسر ایمان آورده باشد حیات جاودانی دارد " (یوحنا ٣: ٣٦)
ایمان آوردن به عیسی خداوند به این معنا است که کاملا به او اطمینان کنید که او تنها کسی است که می تواند شما را از گناه نجات دهد، زیرا او روی صلیب مرد و برای شما دوباره قیام کرد و زنده شد.
وقتی که شما با ایمان آوردن به عیسی خداوند از گناهان تان برمی گردید، وعده او این است که شما قادر خواهید بود که روزی با او برای همیشه در آسمان زندگی کنید، گناهان تان بخشیده خواهد شد و از درون تغییر خواهید یافت. اگر مایلید که امروز به عیسی خداوند ایمان

با استفاده از تصاویر به عنوان راهنما به بچه ها اجازه دهید که درس را مرور کنند. بچه ها از مرور داستان با تصاویر لذت می برند. بچه ها از اجرای صحنه هایی از داستان تا جایی که زمان اجازه می دهد یا برای تمدید شده ی دیگر لذت می برند. به بچه ها کمک کنید تا موضوع مراقبت و فراهم سازی خدا که در طول داستان تعلیم داده شد را متوجه شوند. اشاره کنید که چطور خدا شرایط را تغییر داد. (مردخای می رفت که توسط هامان مورد تمسخر و اهانت قرار گیرد، اما سرانجام او مقام هامان را در دربار پادشاه تسخیر کرد. یهودیان می رفتند که قربانی شوند، اما پیروزی یافتند. روز هراس انگیز نبرد به روز شادی تبدیل شد.)



کارت تعلیم
کارت با تاکید تعلیم برای بچه نجات نیافته را نشان دهید.

کارت های خانگی که حاوی تعلیم اصلی درس و جایی برای نوشتن یا نقاشی کردن راههایی که خدا در زندگی ایشان کار می کند را فراهم کنید.



با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید از بچه ها دعوت کنید تا عیسی خداوند را قبول کنند. برای آموزش های بیشتر به " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد"، مراجعه کنید.

بیاورید، لطفا سر های تان را خم کنید و چشمان تان را ببندید، آیا با ایستادن در جایی که هستید به من نشان می دهید؟ (متوجه جواب ها بشوید.) اگر شما ایستادید، لطفا مرا (در محل و زمان مشخص) ملاقات کنید تا بتوانم به شما از روی کلام خدا نشان دهم که چطور می توانید زندگی ابدی خدا را داشته باشید.

بازی مروری

" امتیازات ستایش "

روی دوازده دایره کوچک کاغذی، چهره هایی با لبخند را نقاشی کنید و در پشت آنها امتیازاتی را بنویسید. آنها را از سمت امتیاز، روی میز یا کف زمین قرار دهید. وقتی که بچه ای سوالی را به درستی پاسخ می دهد، تیم او امتیاز پشت آن کارت را به دست می آورد. این بازی می تواند با کل کلاس به عنوان یک تیم انجام شود و در نهایت امتیاز کل کلاس محاسبه شود.

سوالات مروری

١. چیزی که می توانید به خاطر آن خدا را شکر گویید، نام ببرید؟ (جواب ها متفاوت خواهند بود.)

٢. وقتی که دشمنان یهودیان به آنها حمله کردند، چه اتفاقی افتاد؟ (خدا به یهودیان اجازه داد که حملات را دفع کنند.)

٣. شما چطور می توانید بدانید که خدا همه چیز را تحت کنترل خود دارد؟ (کتاب مقدس اینطور می گوید.)

٤. چرا خدا به یهودیان کمک کرد؟ (آنها قوم مخصوص خدا بودند و به خدا تعلق داشتند.)

٥. به غیر از خدا چه کس دیگری به آنها (یهودیان) کمک کرد؟ (بزرگان دولتی)

٦. یوحنا(١٦: ٣٣) به ما چه می گوید؟ (در جهان مشکلات وجود خواهد داشت، اما خدا از آنها قویتر و بزرگتر است.)

٧. چرا شما فکر می کنید ملکه استر برای پایان دادن به جنگ یک روز اضافی دیگر درخواست کرد؟ (تا مطمئن شود که تمام دشمنان قوم یهود نابود خواهند شد و دیگر خطری برای قوم یهود وجود نداشته باشد.)

٨. دانستن این موضوع که خدا همیشه بهترین را برای شما می خواهد، چه کمکی به شما می کند؟ (به ستایش او ادامه می دهید، هر چند نبینید که او در حال کار کردن است.)

٩. یهودیان می توانستند اموال دشمنان مغلوب خود را بردارند، پس چرا این کار را نکردند؟ (آنها فقط می خواستند که زندگی خانواده های شان را نجات دهند و نمی خواستند ثروتمند شوند.)

١٠. چطور یهودیان می بایست هر ساله پیروزی بر دشمنان شان را جشن می گرفتند؟ (در جشنی که از مهمانی ها، هدیه دادن و کمک کردن به فقرا تشکیل می شد.)

١١. در داستان استر، چند راهی که خدا توسط آنها نشان داد که همیشه همه چیز را در کنترل دارد را ذکر کنید؟ (ملکه شدن استر، اجازه دادن به مردخای تا توطئه برعلیه خشایارشا را بشنود، باعث شد که پادشاه نتواند بخوابد و خدمتکارانش قسمتی از کتاب ثبت اتفاقات را بخواند که درباره کار مردخای توضیح می داد، به استر جرات داد تا از پادشاه تقاضای عفو قوم اش را بنماید، ...)

١٢. خدا چطور نشان می دهد که زندگی شما را تحت کنترل خود دارد؟ (جوابها متفاوت خواهند بود.)

کارت با تعریف مراقبت و فراهم سازی خدا را نشان دهید.